
The Role of Place in the Impact of Economic Factors on the Citizen Happiness of Ahvaz City Neighbourhoods¹

Safiyeh Damanbagh ^{*1}, Nahid Sajadian ²

¹ PhD in Geography and Urban Planning, Faculty of Letters and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

² Professor, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Letters and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received Date: 07 January 2022 **Accepted Date:** 24 January 2022

Abstract

In the city of Ahvaz with its special characteristics in terms of urbanization and economic situation issues endanger the mental and social health and, consequently, the of the happiness citizens, which highlights the need to address the happiness of the citizens in Ahvaz The present study is theoretical-applied and methodologically "descriptive-analytical" in the field of behavioral geography. The tool used in this study is Oxford Happiness Standard Questionnaire. The statistical population includes the citizens of Ahvaz (both men and women) in the age range of 15 years and above, which is equal to 887,280 people. The sample size is 385 persons. The results showed that there is a significant difference between the studied areas in terms of the impact of economic environment factors on the level of happiness of citizens and the impact of economic environment factors on the level of happiness of citizens varies based on different places. In fact, the same levels of variables and economic factors lead to different levels of happiness in different neighborhoods. In fact, the factors of economic environment due to spatial and spatial differences and inequalities lead to inequality in the level of happiness among citizens. The results of structural equation modeling shown the effect of economic environment factors on the level of happiness of citizens in the six neighborhoods is not the same and does not follow a specific pattern. The place variable plays a role as an intermediate variable in this context.

Keywords: Happiness, Economic factors, Spatial differences, Ahvaz city.

¹ This article is extracted from the doctoral thesis entitled "Analysis of geography of happiness in Ahvaz city " of the first author's with the Supervisor of the Second author's, Department of Geography and Urban Planning, Faculty of Letters and Humanities, Shahid Chamran University of Ahvaz.

* **Corresponding Author:** safiyeh_damanbagh@yahoo.com

Cite this article: Damanbagh, S., Sajadian, N. (2022). The Role of Place in the Impact of Economic Factors on the Citizen Happiness of Ahvaz City Neighbourhoods. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 2(4), 69-94.

مطالعه تطبیقی نقش مکان در اثرگذاری عوامل اقتصادی در نشاط شهروندان محلات شهر

اهواز^۱

صفیه دامن باغ^{۱*}، ناهید سجادیان^۲

۱. دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۲. استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

چکیده

در شهر اهواز با ویژگی‌های خاص خود به لحاظ شهرنشینی و وضعیت اقتصادی (از جمله نقش مهم اقتصاد سیاسی نفت در جریان شهرنشینی و توسعه شهر اهواز به عنوان یک شهر نفت خیز) نشاط محیطی شهروندان، به عنوان یک مسئله‌ی مهم شناخته می‌شود که با توسعه روند شهرنشینی و افزایش مسائل و مشکلات شهری اهمیت آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به گونه‌ای که این مسائل سلامت روانی، اجتماعی و به دنبال آن نشاط شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد که این امر لزوم پرداختن به وضعیت نشاط شهروندان در اهواز را مشخص می‌نماید. نکته قابل توجه این است که تاکنون مطالعه‌ای به بررسی روند تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی بر روی نشاط شهروندان توأم با در نظر گرفتن تغییرات یک متغیر دیگر (متغیر مکان) نپرداخته است که مسئله اصلی پژوهش حاضر نیز همین مورد می‌باشد که این مهم با استفاده از رویکرد جغرافیای رفتاری و نقش مکان و محیط در اثرگذاری متغیرهای اقتصادی در نشاط شهروندان شهر اهواز صورت می‌پذیرد. پژوهش حاضر از نوع نظری-کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" و در حیطه جغرافیای رفتاری است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه‌های مورد آزمون قرار گرفته شده از جمله پرسشنامه ۲۹ گویه‌ای استاندارد شادکامی آکسفورد و پرسشنامه محقق ساخته است. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان شهر اهواز (اعم از زن و مرد) در محدوده سنی ۱۵ سال به بالا است که برابر با ۸۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. حجم نمونه نیز متناسب با جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۵ نفر و روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده و در دسترس است. پرسش‌نامه‌ها در شش محله منتخب و متناسب با جمعیت آن‌ها توزیع و تکمیل گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین محلات مورد مطالعه از لحاظ اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان تفاوت معناداری وجود دارد و اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان براساس مکان-های متفاوت، متغیر است. در واقع سطوح یکسان متغیرها و عوامل اقتصادی منجر به سطوح مختلف نشاط در بین محله‌های متفاوت می‌شود، که این امر مفهوم نابرابری سطح نشاط در سطح شهر اهواز را توجیه می‌نماید. در واقع عوامل محیط اقتصادی به واسطه تفاوت‌ها و نابرابری‌های فضایی و مکانی منجر به نابرابری سطح نشاط در بین شهروندان می‌شود. نتایج مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS نیز نشان داد که میزان اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی بر سطح نشاط شهروندان در محلات ششگانه مورد بررسی یکسان نبوده و از یک الگوی خاص پیروی نمی‌کند؛ بلکه متغیر مکان - یا تفاوت در سطح مکان‌ها - در این زمینه به عنوان متغیر واسطه‌ای نقش آفرینی می‌کند. در نهایت راه‌کارهای مناسب ارائه گردیده است.

کلید واژه‌ها: نشاط، عوامل اقتصادی، تفاوت مکانی، شهر اهواز.

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری تحت عنوان تحلیل جغرافیایی نشاط در شهر اهواز نویسنده اول به راهنمایی نویسنده دوم، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز است.

* نویسنده مسئول: safiyeh_damanbagh@yahoo.com

ارجاع به این مقاله: دامن باغ، صفیه، سجادیان، ناهید. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی نقش مکان در اثرگذاری عوامل اقتصادی در نشاط شهروندان محلات شهر اهواز. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۲(۴)، ۶۹-۹۴.

مقدمه و بیان مسأله

احساس نشاط یکی از مهم‌ترین احساسات و نیازهای روحی - روانی انسان است که در مجموعه زندگی او اثرات مثبتی دارد و به عنوان یک هدف متعالی، تمامی تلاش انسان به ویژه در محیط‌های شهری متوجه به دست آوردن آن است (اکبرزاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۸). نشاط از آن دسته متغیرهایی است که متأثر از عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی است و لذا یک مفهوم تک بعدی محسوب نمی‌شود اما تمرکز این پژوهش بر روی تأثیر عوامل اقتصادی بر احساس نشاط است. از زمان ارسطو جستجوی نشاط انسان‌ها، برای فیلسوفان جذاب بوده است و بعد از آن اقتصاددانانی نظیر جرمی بنتهام^۱ و جان استوارت میل^۲ و آدام اسمیت^۳ نیز بر اهمیت نشاط تأکید داشته‌اند. بنتام به عنوان نماینده مکتب «اصالت فایده» اعتقاد داشت در هر لحظه بایستی در بین انواع امکانات چیزی را برگزید که به افراد بیشتری لذت رساند و در این میان فعالیت اقتصادی هدف نهایی بشر نیست؛ بلکه ابزاری برای زندگی شاد و سعادت‌مند است (نادمی و جلیلی کامجو، ۱۳۹۷: ۲).

امروزه در مباحث اقتصادی مفاهیم جدیدی همانند شادی و نشاط ظهور یافته است این در حالی است که در تحلیل‌های اقتصادی از جمله اقتصاددانان نئوکلاسیک عواملی همانند پول، دارایی و مصرف مورد تأکید بود (Graham, 2011: 33؛ جعفری، ۱۳۹۵: ۶۸). اقتصاد شادکامی مطالعه تئوریک و کمی شادی و نشاط، عاطفه مثبت و منفی، بهزیستی، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و مفاهیم مرتبط است که اقتصاد را با زمینه‌های دیگر نظیر روان‌شناسی، بهداشت و جامعه‌شناسی ترکیب می‌کند؛ چراکه نشاط علاوه بر اینکه پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است، یک پدیده مادی نیز می‌باشد که باید آن را از دیدگاه مادی بررسی و تحلیل کرد (منصف و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷).

تاکنون اقتصاددانان زیادی به ارزیابی چگونگی تأثیرگذاری عوامل اقتصادی نظیر درآمد، ثروت و اشتغال، بیکاری، تورم و غیره بر روی نشاط افراد پرداخته‌اند. متغیر سطح درآمد از جمله متغیرهای مهمی است که اثرگذاری مثبت آن بر روی سطح رفاه و نشاط شهروندان در مطالعات اقتصادی از جمله در مطالعات فری و استاتزر^۴ (۲۰۰۲) و ساکس^۵ و همکاران (۲۰۱۲) مورد تأکید بوده است؛ چراکه برخورداری از سطح درآمد مناسب، توانایی افراد را برای تأمین نیازهای زندگی و خدمات رفاهی بالا می‌برد. همچنین یکی از متغیرهای تأثیرگذار در سرمایه‌ی اقتصادی، اشتغال و وضعیت شغلی افراد است. در واقع اشتغال یک موقعیت ثابت درآمدی را برای افراد به وجود می‌آورد. ادبیات گسترده‌ای در ارتباط با نشاط و اشتغال وجود دارد. بیکار بودن نیز توسط اکثریت اقتصاددانان یک وضعیت مشکل و سخت در نظر گرفته شده است. دیتلا و همکاران (۲۰۰۶)، استدلال می‌کردند که شواهدی وجود دارد که بیکاری منبع اقتصادی بزرگی در ناراحتی و اضطراب انسان است. وجود بیکاری در جامعه، حتی برای کسانی که به کار اشتغال دارند، استرس‌آور و شادمانی زداست (Ditella & Macculloch, 2006: 26. بلنچ فلور^۶ (۱۹۹۱) یکی از دلایل این امر را ترس از بیکار شدن می‌داند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۳).

دیتلا و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند که نشاط اظهار شده توسط افراد بیکار خیلی پایین‌تر از افراد شاغل با ویژگی‌های مشابه است (Ditella et al, 2001: 336). فری و استاتزر^۴ (۲۰۰۲) نیز به نتایج مشابهی رسیدند (Frey & Stutzer, 2002: 15). در واقع می‌توان گفت، بیکاری و ترس از بیکاری از عوامل مؤثر در عدم نشاط افراد است. زمانی که

۱. Jeremy Bentham

۲. John Stuart Mill

۳. Adam Smith

۴. Frey & Stutzer

۵. Sacks

۶. Blanchflower

در یک جامعه افراد زیادی در تأمین شغل برای خود دچار مشکل و نگرانی باشند این احساس نگرانی و ترس حتی در افرادی که دارای شغل هستند نیز تسری می‌یابد و این افراد نیز دچار احساس ناامنی و نگرانی در رابطه با بی‌ثباتی شغلی می‌شوند (Ruprah & Luengas, 2001:61). وجود تورم و نگرانی در مورد افزایش قیمت‌ها نیز می‌تواند به عنوان یک عامل مهم و اثرگذار دیگر در کاهش سطح نشاط شهروندان باشد (Romer, 2011:5).

وجود تورم در جامعه به واسطه‌ی افزایش احساسات منفی مانند نگرانی، نارضایتی و احساس ناامیدی در بین همه قشرها و گروه‌های جامعه به ویژه گروه‌های کم درآمد که قدرت خرید پایین‌تری دارند، اثر منفی بر سطح شادمانی و نشاط دارد (جعفری، ۱۳۹۵:۷۲). با توجه به آنچه که بیان شد در اکثر مطالعات انجام شده تاکنون، تأثیر متغیرهای اقتصادی روی نشاط، به صورت خطی مورد بررسی قرار گرفته است و مطالعاتی که رابطه غیرخطی برخی از متغیرها را روی نشاط تحلیل کرده‌اند، اندک هستند.

نکته قابل توجه این است که تاکنون مطالعه‌ای به بررسی روند تأثیرگذاری متغیرهای اقتصادی بر روی نشاط شهروندان توأم با در نظر گرفتن تغییرات یک متغیر دیگر (متغیر مکان) نپرداخته است که مسئله اصلی پژوهش حاضر نیز همین مورد می‌باشد که این مهم با استفاده از رویکرد جغرافیای رفتاری و نقش مکان و محیط در اثرگذاری متغیرهای اقتصادی در نشاط شهروندان صورت می‌پذیرد. در علم جغرافیا به رابطه متقابل انسان و محیط پرداخته می‌شود و مبحث نشاط از جمله مباحثی است که در نوع رابطه مثبت با محیط از سوی انسان اثرگذار است. بحث نشاط در جغرافیا در حیطه جغرافیای رفتاری که محصول ورود اندیشه‌های روان‌شناسی به حیطه مباحث جغرافیایی است، مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ چرا که در مورد اهمیت ادراک، خلاقیت، تفکر و عقاید مردم که در فرموله کردن دیدگاه‌های آن‌ها نسبت به محیط و در نتیجه در نحوه‌ی روابطشان با محیط تأثیر می‌گذارد، تأکید دارد (پورااحمد، ۱۳۹۲:۱۷۷). جغرافیای رفتاری به مطالعه احساس و ادراک انسانی از مکان و محیط می‌پردازد (احمدی، ۱۳۹۵:۴۳).

بنابراین در تحلیل رفتارگرایی در جغرافیای شهری، تأثیر محیط شهری در رفتار و فعالیت گروه‌های مختلف شهری بررسی می‌شود، هم‌چنین در زمینه‌ی شیوه‌هایی که در آن، مردم ادراک می‌کنند، سپس واکنش مطلوب نشان می‌دهند و در نهایت در محیط‌شان تأثیر می‌گذارند به بررسی می‌پردازد. در واقع در این دیدگاه جغرافیایی، تأکید و گفتمان میان صورت ذهنی، جامعه و فضا مورد توجه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۹۱:۱۱۱).

پراکندگی جغرافیایی نیز از ارکان مهم و عمده‌ی مطالعات جغرافیایی است و به فهم و ادراک و بررسی خصوصیات و موقعیت‌های جغرافیایی کمک می‌کند. چگونگی قرارگیری عناصر، پدیده‌ها، نقاط و مکان‌ها بر روی سطح کره‌ی زمین پراکندگی یا توزیع فضایی^۱ نامیده می‌شود (پورااحمد، ۱۳۹۲:۱۰۳).

از نظر هستی‌شناسی تأکید جغرافیا بر پراکندگی‌هاست؛ یعنی پراکندگی پدیده‌های عینی یا ذهنی (همانند نشاط) را مطالعه می‌کند. در واقع جغرافیا همه‌ی هستی‌های عینی و ذهنی را در چهارچوب پراکندگی مطالعه می‌کند و کار مطالعه‌ی جغرافیایی یا تحلیل فضایی شرح ساختار پراکندگی‌هاست. تاکنون مطالعه‌ی علمی نشاط غالباً به عنوان بخشی از مطالعات مربوط به رفاه شناخته شده است، اما ارتباط آن با تحلیل‌های جغرافیایی کمیاب است. بنابراین با توجه به اهمیت این موضوع، درک و اندازه‌گیری نشاط و رفاه ذهنی از بعد جغرافیایی یک کار منحصر به فرد است. چراکه علاوه بر عوامل مختلف روان‌شناختی و اجتماعی و غیره تعدادی عوامل جغرافیایی نیز وجود دارد که بر روی احساس نشاط شهروندان تأثیر می‌گذارند. بر این اساس یک رویکرد جغرافیایی جامع برای بررسی نشاط و رفاه ذهنی و به منظور پاسخ به این که نشاط و رفاه ذهنی ممکن است بر اساس کدام یک از عوامل "فردی" (به عنوان مثال وضعیت اشتغال) وضعیت خانوار (مثلاً درآمد خانوار) و یا به طور گسترده‌تر (محیط اجتماعی-اقتصادی) و یا موقعیت و شرایط زندگی فرد باشد و هم‌چنین برای تعیین

^۱ . Spatial Distribution

اهمیت نسبی چنین خصوصیات در کشورهای مختلف و در داخل مناطق و شهرها در یک کشور، ضروری است (Balleron et al, 2008:387; Carbonell & Gowdy, 2007: 510; Mitchell & Popham, 2008:1656). بنابراین بسیار مهم است که در مطالعات این موضوع به طور کامل درک شود که چرا و چگونه محل یا مکانی که یک فرد زندگی می‌کند ممکن است سطح نشاط او را تحت تأثیر قرار دهد، یا به عبارت دیگر، اینکه چگونه مکان و فضا بر روی میزان احساسات مردم آن اثر می‌گذارد، مورد بررسی قرار گیرد (Ballas & dorling, 2013: 469). علاوه بر این باید بررسی شود که آیا ویژگی‌ها و عوامل خاصی از مکان باعث می‌شود که ساکنان آن خوشحال و خرسند یا ناراضی، ناامید و افسرده باشند و با توجه به این عوامل بین مکان‌ها از نظر سطح شادی و نشاط تفاوتی وجود دارد (Ballas & Tranmer, 2012: 72).

در شهر اهواز، با ویژگی‌های خاص خود به لحاظ شهرنشینی و وضعیت اقتصادی (از جمله نقش مهم اقتصاد سیاسی نفت در جریان شهرنشینی و توسعه شهر اهواز به عنوان یک شهر نفت خیز) نیز نشاط محیطی شهروندان، به عنوان یک مسئله‌ی مهم شناخته می‌شود که با توسعه روند شهرنشینی و افزایش مسائل و مشکلات شهری اهمیت آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. به گونه‌ای که این مسائل سلامت روانی، اجتماعی و به دنبال آن نشاط شهروندان را در معرض خطر قرار می‌دهد که این امر لزوم پرداختن به وضعیت نشاط شهروندان در اهواز را مشخص می‌نماید. در این راستا پژوهش حاضر به طور مشخص در پی پاسخگویی به این سؤال است که نقش مکان زندگی (تفاوت مکانی) در اثرپذیری نشاط شهروندان از عوامل و شرایط اقتصادی چگونه است؟

مبانی نظری پژوهش

برای مدت طولانی، اقتصاددانان به طور گسترده‌ای مطالعه خوشبختی و نشاط و علل آن را نادیده گرفته بودند و بیشتر تحقیقات تجربی در مورد اندازه‌گیری و عوامل تعیین‌کننده شادی و نشاط توسط روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی صورت می‌گرفت. اما در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از اقتصاددانان تأثیر شرایط اقتصادی بر میزان رضایت از زندگی و نشاط را در قالب رفاه ذهنی را که به صورت خود گزارش شده است، بررسی می‌کنند (Stanca, 2008:2). در ادامه دیدگاه برخی اقتصاددانان در ارتباط با نشاط بیان شده است.

دیدگاه بنتهام

در قرن هجدهم (۱۷۸۹-۱۹۸۳م) جرمی بنتهام^۱ و عده‌ای دیگر اعلام کردند که هدف سیاست عمومی باید افزایش نشاط و سعادت در جامعه باشد. بنام استدلال کرد که تمام اقدامات انسانی باید با هدف تولید بیش‌ترین شادی و نشاط برای بیشترین تعداد افراد باشد (Ballas & dorling, 2013:166).

از این رو علم اقتصاد حول بررسی سعادت و نشاط در جامعه تحول پیدا کرد. بنتهام از شادی و نشاط تبیین اقتصادی به دست می‌دهد. او فقدان نشاط را با متغیرهای اقتصادی (توزیع ثروت و درآمد) تبیین می‌کند. لذا در قالب تحلیل‌های اقتصادی می‌توان وجود افسردگی عمومی در سطح جامعه را به عواملی چون؛ عدم اشتغال و بیکاری، نبود درآمد مناسب، رفاه عمومی پایین، بی‌عدالتی اقتصادی، فقدان شایسته‌سالاری بوروکراتیک در جامعه و نظایر آن نسبت داد. پس هر چه میزان درآمدهای عمومی بیشتر باشد به همان اندازه شادی و نشاط بیشتر خواهد بود (قرائی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴).

¹. Jeremy Bentham

دیدگاه ویلکینسون و پیکت^۱

ویلکینسون (۱۹۹۷) نیز استدلال کرده است که نابرابری درآمد در مناطق کوچک (مانند خیابان‌ها، بخش‌ها و یا حتی شهرهای کوچک) بازتابی از جدایی‌گزینی سکونتگاه‌ها از نظر فقیر و غنی است. او بیان می‌کند که اگر مردم از نظر سلامت و رفاه مادی در محله‌های فقیرتر محروم هستند نه به خاطر نابرابری در محله‌های خودشان بلکه به دلیل آنکه در رابطه با جامعه گسترده‌تر در سطح ملی اندازه‌گیری می‌شوند به عنوان محروم شناخته می‌شوند (Ballas & dorling, 2013:172) ویلکینسون و پیکت (۲۰۰۹) نیز شواهدی ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی که بر توزیع درآمد یک جامعه تأثیر می‌گذارد، می‌تواند تفاوت‌های زیادی را در سلامت روانی و اجتماعی کل جمعیت این جامعه ایجاد کند. به طوری که پایین بودن میزان نابرابری درآمد، منجر به جوامع با انسجام بیشتر، اعتماد و همکاری بیشتر و کاهش استرس و فشارهای روانی و اجتماعی می‌شود (Ballas et al, 2016:2).

دیدگاه ریچارد استرلین^۲

ادبیات مربوط به اقتصاد و نشاط در اوایل دهه ۱۹۷۰ با کار محققان و پیشگامانی همانند ریچارد استرلین، توسعه پیدا کرد. ریچارد استرلین یکی از نخستین اقتصاددانانی بود که رابطه بین ارزیابی شخصی از نشاط و درآمد را مورد بررسی قرار داد (Brereton et al, 2008:386). وی در مقاله‌ی خود در سال ۱۹۷۴، با عنوان "آیا رشد اقتصادی سرنوشت انسانی را بهبود می‌دهد؟" بر اساس برخی شواهد تجربی، در مورد عواملی که به نشاط کمک می‌کنند، بحث کرد. با استفاده از پیمایش‌های نشاط از ۱۹ کشور، استرلین دریافت که در یک کشور معین، افراد با درآمد بالا احتمال بیشتری دارد که شادی‌شان را گزارش کنند. به علاوه استرلین دریافت که نشاط در ایالات متحده علی‌رغم افزایش گسترده‌ی میانگین درآمد واقعی شخصی، راکد و ایستا باقی مانده بود. با استفاده از این الگو، افراد ثروتمندتر در هر زمان معین، شادی بزرگ‌تری را گزارش کرده‌اند. این مسئله به تناقض استرلین شهرت یافته است.

بر اساس دیدگاه این اقتصاددان، افرادی که در تأمین هزینه‌ها و نیازهای زندگی‌شان توانایی کافی دارند، بعد از به دست آوردن حد معینی از ثروت و درآمد، نقش و اثرگذاری درآمد در سطح نشاط آن‌ها اهمیت کمتری دارد و نشاط آن‌ها به عوامل دیگری بستگی دارد (نیلی و همکاران، ۱۳۹۴:۲۷).

دیدگاه آرگایل^۳ و داینر^۴

بر اساس دیدگاه آرگایل (۱۹۹۹) تغییر در سطح درآمد شهروندان منجر به تغییر سطح نشاط آنان می‌شود و در این میان افرادی که در گروه‌های سطح پایین درآمدی نسبت به افرادی که در گروه‌های با سطح درآمد بالاتر قرار دارند بیشتر از متغیر سطح درآمد اثر می‌پذیرند (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰:۱۶۰). بنابراین می‌توان استنباط کرد که سرمایه‌ی اقتصادی علی‌رغم تصور و خیال اولیه، منجر به نشاط بیشتر نمی‌شود. به عبارت دیگر، درآمد و ثروت می‌تواند به عنوان عوامل تأثیرگذار بر نشاط عمل کند ولی تداوم و استمرار آن به متغیرهای مهم دیگر وابسته است.

از نظر آرگایل یکی از اثرات و نمودهای بارز بیکاری، وجود نگرانی‌ها و پایین آمدن سطح شادکامی افراد در دنیای مدرن است به طوری که رفاه، کیفیت زندگی و روحیات شهروندان (پایین آمدن احساس عزت نفس) به خصوص در افراد بیکار را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (خورسندی و علی بابایی، ۱۳۹۵:۱۱). به اعتقاد داینر وقتی افراد در زندگی برای

1. Wilkinson & Pickett

2. Richard Easterlin

3. Argyle

4. Diener

تأمین نیازهای اولیه مانند غذا، مسکن و امنیت که از منابع اصلی و پایه‌ای نشاط هستند برخوردار باشند، درآمد و ثروت در مرتبه‌های بعدی اهمیت برای نشاط قرار می‌گیرد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲۲).

دیدگاه مارکس

کارل مارکس (۱۸۴۷) اهمیت نسبی موقعیت اجتماعی از طریق تاثیر نابرابری و مقایسه‌های اجتماعی بر رفاه انسان را در یک زمینه عدالت اجتماعی شناسایی کرد. همچنین وی معتقد است وضعیت نشاط افراد جامعه به وسیله موقعیت‌های مادی تحت تاثیر قرار می‌گیرد و بیان می‌کند که "وضعیت عینی و مادی زندگی، رفاه و سعادت را به ارمغان می‌آورد".

سطح درآمد به همراه توزیع متناسب و عادلانه پول و ثروت و همچنین برخورداری و دسترسی قشرهای مختلف جامعه از سطح درآمد مناسب باعث احساس خوشایند و در پی آن احساس نشاط شهروندان می‌شود. چرا که با از بین بردن اختلاف سطح و تفاوت بین قشرهای مختلف از لحاظ سطح درآمد و رفاه، می‌توان فرصت‌های برابر را برای همه اقشار جامعه فراهم کرد (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵). بسیاری از مطالعات تجربی که اثرات مقایسه در رابطه با نشاط را بررسی کرده‌اند بر درآمد نسبی (درآمد یک فرد را در رابطه با درآمد دیگران) و رتبه درآمدی آن‌ها متمرکز شده‌اند. منطق در اینجا این است که درآمد وسیله برقراری ارتباط وضعیت نسبی در یک سلسله مراتب اجتماعی است (Layard, 2005; 13) و در نتیجه موقعیت فرد از نظر توزیع درآمد نیز یک شاخص برای ارزیابی آن‌ها می‌باشد.

رفاه ذهنی و اقتصاد شادکامی^۱

یکی از رویکردهای جدید اقتصادی که به صورت ترکیبی از علم اقتصاد و روان‌شناسی بهره گرفته است، رویکرد اقتصاد شادکامی است که هدف آن برخلاف رویکردهای قبلی که رفاه را به صورت عینی در نظر می‌گرفتند، این رویکرد ارزیابی رفاه افراد را به صورت یک موضوع ذهنی معرفی می‌کند (DiTella & MacCulloch, 2006: 27). بنابراین اکثر اقتصاددانان در مطالعات خود در زمینه‌ی رفاه ذهنی به این مسئله پرداخته‌اند که آیا همزمان با رشد اقتصادی و افزایش درآمد، رفاه ذهنی افراد نیز افزایش یافته است یا خیر؟ در برخی مطالعات مشخص شده است که میزان رفاه ذهنی افرادی که دارای سطح درآمد بالاتر بوده‌اند نسبت به افراد با سطح درآمد پایین‌تر، بالاتر بوده است این در حالی است که با گذشت زمان افراد با سطح درآمد بالاتر بیان کرده‌اند که درآمد بیشتر باعث نشاط بیشتر آن‌ها نشده است (Blanchflower & Oswald, 2004: 1360). برای شناسایی عوامل اقتصادی که بر میزان نشاط شهروندان تأثیرگذار هستند از مطالعات گذشته و مبانی نظری استفاده شده است که در جدول (۲) این عوامل از دیدگاه پژوهشگران و نظریه پردازان آورده شده است.

جدول ۲: عوامل اقتصادی اثرگذار بر سطح نشاط شهروندان بر اساس مطالعات پژوهشگران و مبانی نظری						
پژوهشگر/نظریه پرداز	میزان درآمد	شغل	بیکاری	تورم	بی‌ثباتی	نابرابری سطوح درآمدی و فقر
دی تلا و مک کولای (۲۰۰۶)	×		×			
استنکا (۲۰۰۸)	×		×			
گراهام (۲۰۰۹)		×				

¹. Economics of happiness

×	×	گاندلمن و هراندز موریلو (۲۰۰۹)
×	×	بکچتی و همکاران (۲۰۱۰)
×	×	روپراه و لیوانگاس (۲۰۱۱)
		× جیانگ و همکاران (۲۰۱۲)
	×	× ماریلو و کیوموس (۲۰۱۲)
×	×	بلانچفلور و همکاران (۲۰۱۴)
×	×	× آگان، سینک و اورهان (۲۰۱۶)
		× ریس (۲۰۱۷)
	×	گوریف و ملنیکف (۲۰۱۸)
		× دهقانی و همکاران (۱۳۹۰)
×		افشاری و دهمرده (۱۳۹۳)
	×	× محمدیان و همکاران (۱۳۹۴)
	×	× خورسندی و علی بابایی (۱۳۹۵)
×		نادمی و جلیلی کامجو (۱۳۹۷)
×		جلیلی کامجو و نادمی (۱۳۹۸)
×	×	× منصف و همکاران (۱۳۹۸)
×	×	× جرمی بنتهام (۱۹۸۳-۱۷۸۹م)
×		ویلکینسون و پیکت (۲۰۰۹)
		× ریچارد استرلین (۱۹۷۰)
		× آرگایل (۱۹۹۹)
×		× کارل مارکس (۱۸۴۷)
		× اقتصاد شادکامی

منبع: مطالعات نگارندگان

پیشینه پژوهش

در رابطه با با بحث عوامل اقتصادی و نشاط مطالعات خارجی و داخلی متعددی صورت گرفته و از زوایای گوناگونی به بحث شادی و نشاط پرداخته‌اند که برخی از آن‌ها در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱: پیشینه مطالعات خارجی و داخلی متعدد مرتبط با بحث عوامل اقتصادی و نشاط

پژوهشگر	سال	عنوان پژوهش	خلاصه‌ای از نتیجه پژوهش
دی تلا و مک کولای ^۱	۲۰۰۶	کاربردهای داده‌های شادی در اقتصاد	سطح رضایتمندی و نشاط افراد در زندگی متأثر از سطح درآمد آن‌هاست، این در حالی است که بیکاری و تورم به عنوان دو عامل بازدارنده و کاهش دهنده سطح رضایت و نشاط افراد شناسایی می‌شوند.
استنکا ^۲	۲۰۰۸	بررسی الگوی فضایی رفاه ذهنی و نشاط	ناهمگونی فضایی در توزیع وضعیت درآمد و بیکاری میان کشورهای مختلف با احساس نشاط و خوشبختی ارتباط دارد.
گراهام ^۳	۲۰۰۹	نگاهی به تحقیقات صورت گرفته در خصوص عوامل نشاط در بخش‌های مختلف جهان	با مقایسه عوامل مختلف اثرگذار در نشاط افراد در نقاط مختلف جهان مشخص شد که تفاوت و ناهمگونی در سه عامل زمینه‌ها و ساختارهای اقتصادی، وضعیت بازار کار و وضعیت آموزشی منجر به تفاوت در سطح نشاط در بخش‌های مختلف جهان شده است.

^۱. Di Tella & MacColloch

^۲. Stanca

^۳. Graham

گاندلمن و هرناندز موریلو ^۱	۲۰۰۹	بررسی اثر بیکاری و تورم بر شادی ادراک شده فردی	وجود عواملی مانند تورم و بیکاری در جامعه باعث می‌شود تا افراد نسبت به تأمین امکانات و منابع رفاهی خود در زندگی نگرش مثبتی نداشته باشند و در ایجاد این احساس ناخوشایند نقش بیکاری نسبت به تورم بالاتر است.
بیچتی ^۲ و همکاران	۲۰۱۰	سنجش دیدگاه‌های اقتصاد شادکامی با رویکردی به اثرات بیکاری و بی‌ثباتی و افزایش قیمت‌ها بر سطح رفاه	در مقایسه میزان اثرگذاری بیکاری و تورم بر سطح نشاط افراد جامعه مشخص شده است که بیکاری اثرات و هزینه‌های بیشتری بر سطح رفاه و نشاط شهروندان تحمیل می‌کند.
روپیرا و لیوانگاس ^۳	۲۰۱۱	سنجش نقش تورم و بیکاری در سطح نشاط مردم کشورهای آمریکای لاتین	وجود دو عامل اقتصادی بیکاری و بی‌ثباتی در افزایش قیمت‌ها به عنوان دو عامل مکمل باعث تنزل سطح نشاط مردم کشورهای آمریکای لاتین شده است و در این میان نقش بیکاری در این تنزل بیشتر بوده است.
ماریلیو و کیوهوس ^۴	۲۰۱۲	بررسی نقش عوامل اقتصادی، شغلی و جمعیت شناختی بر رفاه ذهنی کشورهای در حال توسعه	سطح نشاط بالاتر در برخی کشورها به واسطه وضعیت مناسب عواملی مانند سطح مناسب درآمد، شغل و سلامت بوده است.
بلانچفلور ^۵ و همکاران	۲۰۱۲	مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی در کشورهای اروپایی	وجود عوامل اقتصادی مانند بیکاری و تورم و به خصوص عامل بیکاری باعث شده تا افراد درک مثبت و مؤثری از سطح رفاه و نشاط خود نداشته باشند.
آگان ^۶ و همکاران	۲۰۱۶	سنجش و مقایسه نقش عوامل اقتصادی سه گانه بیکاری، تورم و درآمد سرانه بر سطح شادکامی	در بین عوامل سه گانه مورد سنجش، عامل اقتصادی درآمد سرانه به عنوان عامل اقتصادی با اثرگذاری مثبت و بیکاری و تورم به عنوان عوامل با اثرگذاری نامطلوب و منفی شناخته می‌شوند.
ریس ^۷	۲۰۱۷	اثر نابرابری درآمد روی شادی و نشاط چیست؟	نتایج نشان داد برای آسیا و آمریکای لاتین، اثر نابرابری درآمد بر شادی منفی است و برای آفریقا، اثر نابرابری درآمد بر میزان شادی بسیار مثبت است.
گوریف و ملنیکف ^۸	۲۰۱۸	بررسی همگرایی شادی و نشاط در کشورهای در حال گذار	شکاف شادی و نشاط در دهه ۱۹۹۰ به علت رکود بزرگ و بی‌ثباتی اقتصاد کلان، گسترش یافته است. با بهبود شادی و نشاط در کشورهای در حال گذار بعد از رکود بزرگ و کاهش رضایت از زندگی در کشورهای دیگر، شکاف شادی و نشاط بسته شده است.
دهقانی و همکاران	۱۳۹۰	بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان	عواملی مانند سرمایه اقتصادی و اشتغال از عوامل مهم و اثرگذار در سطح نشاط شهروندان هستند اما داشتن پول به تنهایی کافی نیست و با توجه به اینکه نشاط یک موضوع چند بعدی است علاوه بر عوامل اقتصادی عوامل دیگری نیز در سطح نشاط تعیین کننده هستند.
افشاری و دهمرده	۱۳۹۳	بررسی اثر متغیرهایی همچون فقر، نابرابری و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب جهان	در هر دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته شاخص‌های فقر و نابرابری اثر نامطلوبی بر روی سطح نشاط داشته است این در حالی است که شاخص توسعه انسانی به عنوان یک شاخص مثبت با اثرات مطلوب بر سطح نشاط در نظر گرفته شده است.
محمدیان و همکاران	۱۳۹۴	تحلیل عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر	در بین عوامل اجتماعی متغیرهایی مانند سطح تحصیلات اثر افزایشی و

1. Gandelman & Hernandez- Murillo

2. Becchetti

3. Ruprah & Luengas

4. Marilou and Kiohos

5. Blanchflower

6. Agan, Sevinc and Orhan

7. Reis

8. Gurive & Melnikov

محدودیت‌های مذهبی اثر کاهشی در سطح نشاط دارد. در بین عوامل اقتصادی نیز سطح درآمد به عنوان عامل افزایش دهنده و بیکاری به عنوان عامل کاهنده سطح نشاط شناخته می‌شوند.	بر شادی (یک تحلیل اقتصادسنجی با در نظر گرفتن محدودیت‌های مذهبی)		
میزان اثرگذاری عوامل اقتصادی بیکاری و تورم با توجه به شرایط کشورهای مختلف از جمله ایران متفاوت بوده است و بیکاری نسبت به تورم در کاهش سطح نشاط نقش مؤثرتری داشته است.	بیکاری بدتر است یا تورم؟ مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی	۱۳۹۵	خوردندی و علی بابایی
فقر مطلق و نسبی تأثیر مثبت و معنادار بر نابرابری شادی در جامعه ایران داشته است.	ارزیابی تأثیر فقر مطلق و نسبی بر نابرابری شادی در ایران	۱۳۹۷	نادمی و جلیلی کامجو
نابرابری توزیع درآمد تأثیر غیرخطی آستانه‌ای بر نابرابری شادی دارد به طوری که نظریه هرم معکوس مزلو مینی بر تأثیر نابرابری درآمدی در مقاطع بالای هرم معکوس بر شادی تأیید شد.	ارزیابی رابطه بین نابرابری درآمد و نابرابری شادی، مطالعه موردی: ایران	۱۳۹۸	جلیلی کامجو و نادمی
نتایج پژوهش، رابطه شادی با درآمد سرانه، سلامت، مصرف، مخارج دولتی و آزادی اقتصادی را مثبت و رابطه شادی با نابرابری درآمد، تورم و بیکاری را منفی نشان می‌دهد.	بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل	۱۳۹۸	منصف و همکاران

منبع: مطالعه و گردآوری نگارندگان

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع نظری-کاربردی و به لحاظ روش‌شناسی "توصیفی-تحلیلی" است. مهم‌ترین بخش توصیفی مطالعه‌ی حاضر گردآوری متغیرهای تبیین‌کننده‌ی نشاط با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. در این راستا، متغیرهای کلیدی و تبیین‌کننده‌ی نشاط از منابع و پیشینه‌ی مربوط به موضوع استخراج و گردآوری گردید. از آنجایی که نشاط با چگونگی نگرش و داوری فرد درباره نحوه گذران زندگی‌اش مرتبط است و این نوع داوری متأثر از ادراکات شخصی فرد و تجربه احساسات و عواطف مثبت است که بر سبک تبیین، قضاوت و تصمیم‌گیری او اثر می‌گذارد، بنابراین موضوع نشاط در حیطه جغرافیای رفتاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

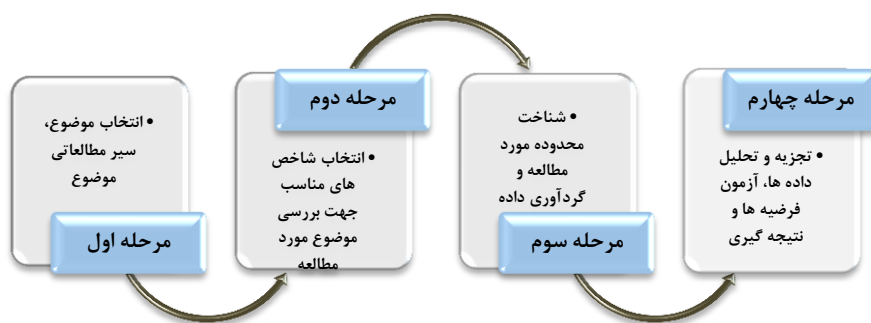
برای سنجش مباحث ذهنی رویکردها و روش‌های مختلفی وجود دارد و با توجه به اینکه موضوع نشاط در حیطه جغرافیای رفتاری است، ابزار اصلی دستیابی به اطلاعات استفاده از پرسشنامه است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه‌های مورد آزمون قرار گرفته شده از جمله پرسشنامه ۲۹ گویه‌ای استاندارد شادکامی آکسفورد^۱ و پرسشنامه محقق ساخته است^۲. جامعه آماری پژوهش نیز شامل شهروندان شهر اهواز (اعم از زن و مرد) در محدوده سنی ۱۵ سال به بالا است که برابر با ۸۸۷۲۸۰ نفر از کل جمعیت شهر اهواز است. ولی برای سهولت سنجش و هم‌چنین انجام مطالعات در نهایت شش محله از شهر اهواز به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب و جمعیت آن‌ها به عنوان جامعه هدف پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت. حجم نمونه نیز متناسب با جامعه آماری و بر اساس فرمول کوکران^۳، با سطح اطمینان ۹۵ درصد و پیش برآورد واریانس ۲۵ درصد و دقت احتمالی مطلوب ۵ درصد تعداد ۳۸۵ پرسشنامه برآورد گردید که به نسبت حجم جمعیت محلات مورد مطالعه از کل جامعه هدف برای هر محله محاسبه شد. روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده و در دسترس است و به نحوی بوده است که تا حد امکان تمامی گستره محلات مورد بررسی به شیوه حضوری و مراجعه مستقیم مورد پوشش

^۱ . Oxford Happiness Inventory

^۲ . این پرسشنامه را آرگایل و لو در سال ۱۹۸۹ میلادی تهیه کردند و ضریب آلفای ۰/۹۰ را با ۱۳۴۷ آزمودنی به دست آوردند. پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های متعددی که تاکنون انجام گرفته مورد تأیید قرار گرفته است. بررسی پایایی صوری این پرسشنامه نشان داده است که این پرسشنامه توانایی سنجش نشاط را بر اساس مؤلفه‌های آن در ایران را داراست. در این راستا برای سنجش سطح نشاط شهروندان اهواز از این پرسشنامه استفاده شده است.

^۳ . Cochran Formula

قرار گیرد. جهت تحلیل داده‌ها و اطلاعات به دست آمده در محیط نرم افزار spss از روش‌های آماری مختلفی از جمله آزمون تی مستقل^۱ و تحلیل واریانس یک راهه^۲ و همچنین از مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS استفاده شده است. همچنین از نرم افزار GIS و Excel نیز بهره گرفته شده است. در شکل (۱) فرایند انجام پژوهش نشان داده شده است.



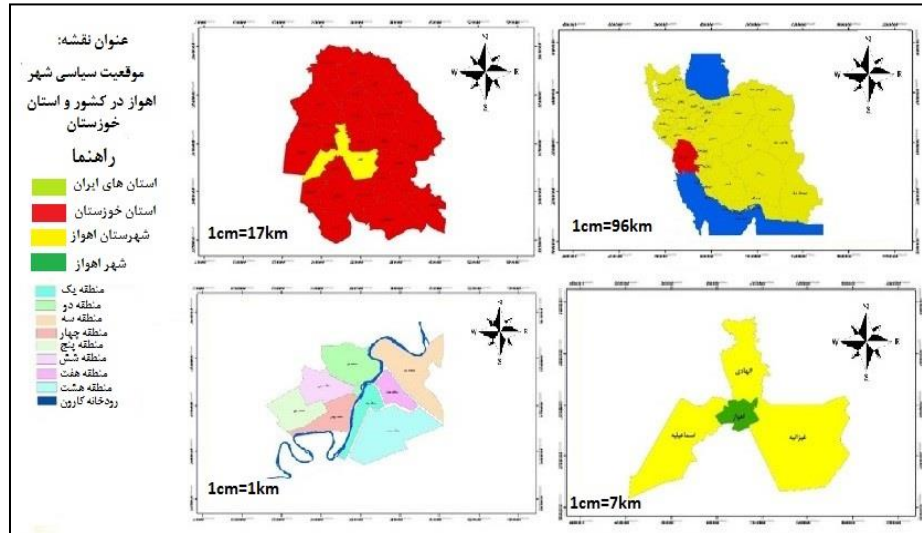
شکل ۱: فرایند انجام پژوهش ترسیم: نگارندگان

معرفی محدوده مورد مطالعه

قلمرو جغرافیایی پژوهش حاضر، شهر اهواز می‌باشد. شهر اهواز مرکز استان خوزستان است و جمعیت آن طبق آمار رسمی سال ۱۳۹۵ برابر ۱۱۸۴۷۸۸ نفر می‌باشد، که به‌عنوان هفتمین شهر پرجمعیت ایران به‌شمار می‌آید (محمدی ده چشمه و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۳). اهواز در موقعیت جغرافیایی ۳۱ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی، در بخش جلگه‌ای خوزستان و با ارتفاع ۱۸ متر از سطح دریا واقع شده است. شهر اهواز براساس آخرین مستندات (سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵) و آخرین منطقه بندی شهرداری، دارای ۸ منطقه شهری، ۳۴ ناحیه و ۱۲۴ محله می‌باشد (معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اهواز، ۱۳۹۶: ۶). در شکل (۲) موقعیت و جایگاه شهر اهواز در تقسیمات سیاسی استان و کشور نشان داده شده است.

^۱ . Independent-Sample T Test

^۲ . One-Way ANOVA



شکل ۲: موقعیت و جایگاه شهر اهواز در تقسیمات سیاسی استان و کشور

برای تحلیل جغرافیایی از روش تحلیل تطبیقی استفاده شده است و لذا شش محله به عنوان نمونه‌های موردی انتخاب شده است. برای انتخاب محله‌های هدف، در ابتدا محلات شهر اهواز براساس شاخص‌های مکانی شامل جمعیت (مانند اشتغال و بیکاری و ...)، سطح کیفیت زندگی (الگوی گذران اوقات فراغت، امنیت و ...)، قشربندی اجتماعی (سطح تحصیلات، وضعیت مسکن و ...)، سطح‌بندی شد و در نهایت شش محله شهرک نفت و کیانپارس (به عنوان نماینده محلات سطح یک یا توسعه‌یافته)، محله عامری و گیت بوستان (به عنوان نماینده محلات سطح دو یا متوسط) و محله منبع آب و کوی علوی (به عنوان نماینده محلات سطح سه یا سطح توسعه پایین) برای مطالعه انتخاب شدند. همچنین انتخاب محله‌ها به گونه‌ای بوده است که توزیع و پراکندگی آن‌ها گستره جغرافیایی و مناطق شهر اهواز را پوشش می‌دهد. در جدول (۳) مشخصات محلات مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۳: مشخصات محلات مورد مطالعه

محله	منطقه	جمعیت	مساحت (هکتار)	سطح
شهرک نفت	۳	۶۴۲۹	۴۹۸	یک
کیانپارس	۲	۴۶۷۶۲	۴۰۷	یک
گیت بوستان	۴	۷۱۳	۷۲	دو
عامری	۷	۴۴۹۴	۳۷	دو
منبع آب	۷	۲۷۹۹۱	۱۱۷	سه
کوی علوی (شلنگ‌آباد)	۶	۴۷۹۷۸	۷۰۳	سه

منبع: (معاونت برنامه‌ریزی و توسعه شهرداری اهواز، ۱۳۹۶)

تجزیه و تحلیل داده ها

در این مرحله از پژوهش به ارزیابی وضعیت عوامل محیط اقتصادی و سطح نشاط شهروندان در محلات مورد مطالعه شهر اهواز پرداخته شده است. یکی از متغیرهای تأثیرگذار در سرمایه‌ی اقتصادی، اشتغال و وضعیت شغلی افراد

است. در واقع اشتغال یک موقعیت ثابت درآمدی را برای افراد به وجود می‌آورد. ادبیات گستره‌ای در ارتباط با نشاط و اشتغال وجود دارد. بیکار بودن نیز توسط اکثریت اقتصاددانان یک وضعیت مشکل و سخت در نظر گرفته شده است. چراکه بیکاری منبع اقتصادی بزرگی در ناراحتی و اضطراب انسان است. وقتی تعداد زیادی از افراد در یک جامعه برای تأمین شغل خود با مشکل مواجه هستند و به راحتی نمی‌توانند به شغل دست پیدا کنند حتی افرادی که شاغل هستند نیز احساس امنیت شغلی خود را از دست می‌دهند. در واقع هزینه‌های بیکاری فقط از آن کسانی نیست که بدون درآمد هستند، بلکه بار هزینه‌ای اضافی هم وجود دارد که هزینه‌های غیرمالی بیکاری نامیده می‌شود. این هزینه‌های غیرمستقیم به واسطه‌ی عزت‌نفس پایین افراد، از دست دادن روابط اجتماعی و هویت در جامعه نشان داده می‌شود. بیکاری ابعاد نشاط را تحت تأثیر قرار می‌دهد، از جمله عاطفه‌ی مثبت، رضایت از زندگی و علاوه بر آن عاطفه‌ی منفی را نیز دربرمی‌گیرد. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که نشاط اظهار شده توسط افراد بیکار خیلی پایین‌تر از افراد شاغل با ویژگی‌های مشابه است. در واقع می‌توان گفت، بیکاری و ترس از بیکاری از عوامل مؤثر در عدم نشاط افراد است. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده است در بین نمونه مورد مطالعه در محلات ششگانه، به ترتیب محله‌های کیانپارس، شهرک نفت و گیت بوستان تعداد و درصد بیشتری از افراد شاغل را بر گرفته‌اند. این در حالی است که تعداد و درصد افراد بیکار به ترتیب در بین سه محله کوی علوی (شلنگ آباد)، عامری و منبع آب بیشتر از محله‌های دیگر است.

جدول ۴: وضعیت اشتغال و بیکاری در محلات مورد مطالعه

محل	شاغل		بیکار		تعداد نمونه
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
شهرک نفت	۲۱	۷۰	۹	۳۰	۳۰
کیانپارس	۸۳	۷۲	۳۲	۲۸	۱۱۵
گیت بوستان	۱۴	۷۰	۶	۳۰	۲۰
عامری	۱۳	۵۲	۱۲	۴۸	۲۵
منبع آب	۴۵	۶۴/۵	۲۵	۳۵/۵	۷۰
کوی علوی (شلنگ آباد)	۷۴	۵۹/۲	۵۱	۴۸/۸	۱۲۵

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول (۵) نیز وضعیت و نوع مشاغل شهروندان به تفکیک در محلات مورد مطالعه نشان داده شده است. بر اساس نتایج به دست آمده از پرسشنامه افراد شاغل به لحاظ نوع شغل به چند گروه شامل کارمند، کارگر، آزاد، خانه‌دار و سایر^۱ تقسیم شده‌اند. براساس جدول (۵)، به ترتیب در بین محله‌های گیت بوستان، شهرک نفت و کیانپارس بالاترین درصد مربوط به گروه کارمند بوده است و سایر گروه‌های شغلی درصد کمتری را به خود اختصاص داده‌اند. در محله عامری نیز بیشتر از نیم درصد یعنی حدود ۵۳/۸ درصد را شهروندان دارای شغل آزاد تشکیل داده است. در دو محله کوی علوی (شلنگ آباد) و منبع آب نیز بیشترین درصد به ترتیب با ۶۲/۱ و ۵۱/۱ درصد مربوط به گروه شغلی کارگر بوده است. همچنین با بررسی نوع شغل پاسخ دهندگان در محلات مختلف مشخص شد که در محله‌های گیت بوستان، شهرک نفت و کیانپارس اکثر پاسخ دهندگان دارای مشاغل رسمی و دولتی هستند اما در محله‌های عامری، کوی علوی (شلنگ آباد) و منبع آب بیشتر مشاغل شهروندان از نوع مشاغل خدماتی هستند.

^۱ . با توجه به اینکه برای گزینه "سایر" پاسخی ثبت نشده بود از آوردن آن در جدول صرف نظر شده است.

جدول ۵: وضعیت و نوع مشاغل در محلات مورد مطالعه

تعداد نمونه	خانه‌دار		آزاد		کارگر		کارمند		محله
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۳۰	-	-	۹/۵	۲	۹/۵	۲	۸۱	۱۷	شهرک نفت
۱۱۵	۱۳/۲	۱۱	۲۷/۷	۲۳	۹/۷	۸	۴۹/۴	۴۱	کیانپارس
۲۰	-	-	۱۵	۲	-	-	۸۵	۱۲	گیت بوستان
۲۵	۷/۶	۱	۵۳/۸	۷	۲۳/۲۱	۳	۱۵/۳۹	۲	عامری
۷۰	۴/۵	۲	۲۶/۶	۱۲	۵۱/۱	۲۳	۱۷/۸	۸	منبع آب
۱۲۵	۸/۲۵	۶	۲۰/۲	۱۵	۶۲/۱	۴۶	۹/۴۵	۷	کوی علوی (شلنگ‌آباد)

منبع: یافته‌های پژوهش

در این بخش متغیر سطح درآمد شهروندان که از نظر بسیاری از دیدگاه‌ها اقتصادی به عنوان یکی از متغیرهای مهم و اساسی در سطح نشاط شهروندان شناخته می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج حاصل از پرسشنامه، در هر دو محله شهرک نفت و گیت بوستان ۶۰ درصد و در محله کیانپارس ۴۹/۵۵ درصد از پاسخ دهندگان دارای درآمد ماهیانه بیشتر از ۱۰ میلیون تومان هستند و افراد با درآمد زیر ۳ میلیون تومان در این سه محله وجود نداشته است. در محله عامری نیز ۴۰ درصد از پاسخ دهندگان درآمد بالاتر از ۱۰ میلیون تومان داشته‌اند. در محله منبع آب ۳۰ درصد شهروندان با درآمد ماهیانه سه تا پنج میلیون تومان و محله کوی علوی (شلنگ‌آباد) با ۵۶ درصد درآمد ماهیانه دو تا سه میلیون بیشترین درصد را داشته است و کمترین درصد مربوط به گروه درآمدی بیشتر از ده میلیون تومان است. در جدول (۶) وضعیت و میزان درآمد ماهیانه خانوار در محلات مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۶: وضعیت سطح درآمد ماهیانه خانوار در محلات مورد مطالعه

محله	کمتر از ۱		۱ میلیون - ۲		۲ میلیون - ۳		۳ میلیون - ۵		۵ میلیون - ۱۰		بیشتر از ۱۰	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
شهرک نفت	-	-	-	-	-	-	۶	۱۹/۹	۶	۲۰	۱۸	۶۰
کیانپارس	-	-	-	-	-	-	۲۰	۱۷/۴	۳۸	۳۳/۰۵	۵۷	۴۹/۵۵
گیت بوستان	-	-	-	-	-	-	۱	۵	۷	۳۵	۱۲	۶۰
عامری	-	-	۲	۸	۳	۱۲	۴	۱۶	۶	۲۴	۱۰	۴۰
منبع آب	۲	۲/۸	۱۱	۱۵/۷۷	۲۰	۲۸/۵۸	۲۱	۳۰	۱۰	۱۴/۲۸	۶	۸/۵۷
کوی علوی (شلنگ‌آباد)	۱۵	۱۲	۱۴	۱۱/۲	۷۰	۵۶	۱۱	۸/۸	۱۱	۸/۸	۴	۳/۲

منبع: یافته‌های پژوهش

تفاوت میان دو گروه شهروندان شاغل و بیکار از نظر سطح نشاط از جمله مباحث مورد تاکید در این پژوهش است. برای مقایسه دو گروه شاغل و بیکار از نظر سطح نشاط، از آزمون t مستقل استفاده شده است، چرا که هدف مقایسه دو گروه مستقل با نمونه‌های نابرابر می‌باشد. بر اساس نتایج به دست آمده در جدول شماره (۷) و با توجه به نتایج آزمون لوین^۱ مشخص است که سطح معنی‌داری به دست آمده برای سطح نشاط در دو گروه شاغل و بیکار کمتر از ۰/۰۵ است.

^۱. Levenes Test

بنابراین دو گروه شاغل و بیکار از نظر سطح نشاط دارای تفاوت میانگین معناداری هستند و واریانس گروه‌های مستقل شاغل و بیکار از نظر سطح نشاط با هم برابر نیستند. (با ضریب اطمینان ۹۵ درصد). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهروندان دارای شغل سطح نشاط خود را بهتر و بالاتر از شهروندان بیکار ارزیابی کرده‌اند. وضعیت اشتغال در میزان درآمد و ثروت و به طور کلی در رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان تأثیر مهمی دارد. نرخ اشتغال بالاتر باعث افزایش قدرت خرید و ثروت، دسترسی به فرصت‌های آموزش و فراغت و دسترسی بهتر به فرصت‌های جدید اقتصادی و غیره می‌شود. این در حالی است که بیکاری منجر به احساسات منفی و ناخوشایند از جمله افسردگی، کاهش اعتماد به نفس می‌شود. همان طور که پیش‌تر مشخص شد با توجه به اینکه تعداد و درصد افراد بیکار در بین سه محله کوی علوی (شلنگ آباد)، عامری و منبع آب بیشتر از محله‌های دیگر است پس انتظار می‌رود که شهروندان این محله‌ها سطح نشاط خود را پایین‌تر از دیگر محله‌ها ارزیابی کنند.

جدول ۷: نتایج آزمون t مستقل برای دو گروه شهروندان شاغل و بیکار از نظر سطح نشاط در شهر اهواز

فروض	تست تساوی		تست تساوی میانگین‌ها		
	مقدار	سطح معنی داری	مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری (دوطرفه)
با فرض تساوی واریانس‌ها	۸/۲۴۹	۰/۰۰۲	۳/۴۲۷	۳۷۸	۰/۰۰۱
با فرض عدم تساوی واریانس‌ها	-	-	۲/۴۵۸	۳۱۹/۸۳۸	۰/۰۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

در این بخش نیز تفاوت میان گروه‌های درآمدی مختلف از نظر سطح نشاط مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا شهروندان از نظر سطح درآمد به چند گروه شامل افراد دارای درآمد ماهیانه کمتر از ۱ میلیون تومان، ۱-۲ میلیون تومان، ۲-۳ میلیون تومان، ۳-۵ میلیون تومان، ۵-۱۰ میلیون تومان، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان تقسیم شده‌اند. به منظور بررسی تفاوت سطح نشاط میان گروه‌های درآمدی مختلف از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه استفاده شده است. زمانی که محقق بخواهد به بررسی تفاوت میانگین‌های بیش از دو جامعه یا بیش از دو گروه و یا بیش از چند شاخص استفاده کند، استفاده از روش تحلیل واریانس مناسب می‌باشد. در ارزیابی تحلیل واریانس، میزان معنی‌داری معیار قرار می‌گیرد. اگر میزان آن کوچکتر از ۰/۰۵ و بزرگ‌تر از ۰/۰۱ باشد، می‌توان قضاوت کرد که بین گروه‌های مورد مطالعه تفاوت در سطح ۹۵٪ می‌باشد. در صورتی که عدد به دست آمده کوچکتر از ۰/۰۱ باشد، می‌توان ادعا کرد که این تفاوت در سطح ۹۹٪ معنادار است (جدول ۸). پس از پی بردن به سطح معناداری میانگین‌ها، محقق باید مقایسه‌های دیگری را نیز در بین گروه‌ها، مناطق و یا شاخص‌ها انجام دهد که در این جا با توجه نامساوی بودن تعداد نمونه‌ها در گروه‌های درآمدی مختلف، از آزمون مقایسه‌ی چندگانه شفه استفاده شده است.

جدول ۸: تحلیل واریانس تفاوت سطح نشاط در بین گروه‌های با سطوح درآمدی مختلف

متغیر	-	جمع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	معنی داری
نشاط	درون گروهی	۷۹۵۰۸/۶۴۸	۵	۱۵۹۰۱/۷۳۰	۳۰/۲۴۴	۰/۰۰۰
	بین گروهی	۱۹۹۲۷۰/۷۱۳	۳۷۹	۵۲۵/۷۸۰		
	کل	۲۷۸۷۷۹/۳۶۱	۳۸۴	-		

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس مقایسه تطبیقی گروه‌های درآمدی مختلف بر اساس آزمون شفه همان گونه که در جدول شماره (۹) نیز نشان داده شده است، در بین گروه‌های درآمدی مختلف به لحاظ سطح نشاط، ۳ طبقه را می‌توان شناسایی نمود. از نظر سطح نشاط گروه‌های با درآمد ماهیانه کمتر از ۱ میلیون تومان و ۱ میلیون ۲- میلیون تومان، به ترتیب با امتیاز ۴۳/۹۳۵ و ۵۱/۰۱۱ در طبقه اول، گروه‌های با درآمد ماهیانه ۲ میلیون ۳- میلیون تومان و ۳ میلیون ۵- میلیون تومان، به ترتیب با امتیاز ۷۰/۲۱۰ و ۷۳/۷۰۲ در طبقه دوم و گروه‌های با درآمد ماهیانه ۵ میلیون ۱۰- میلیون تومان و بیشتر از ۱۰ میلیون تومان به ترتیب با امتیاز ۸۳/۲۵۸ و ۸۴/۴۵۰ در طبقه سوم قرار گرفته است. این امر نشان دهنده تفاوت در بین گروه‌های درآمدی مختلف از لحاظ سطح نشاط آن‌ها می‌باشد به طوری که گروه‌های با درآمد ماهیانه کمتر از ۱ میلیون تومان و ۱ میلیون ۲- میلیون تومان، سطح نشاط خود را نسبت به گروه‌های دیگر پایین‌تر ابراز کرده‌اند و در این میان سطح نشاط گروه‌های با درآمد ماهیانه ۵ میلیون ۱۰- میلیون تومان و بیشتر از ۱۰ میلیون تومان بالاتر از گروه‌های درآمدی دیگر بوده است. این امر نشان می‌دهد که ارتباط مثبت بین سطح درآمد و سطح نشاط وجود دارد که این ارتباط در بین اقشار کم درآمد بیشتر است. در واقع درآمد هدفی برای نشاط نیست؛ بلکه به مثابه ابزاری برای دستیابی به انواع دیگری از اهداف و خواسته‌های زندگی شهروندان است. داشتن پول و درآمد، به شهروندان اجازه می‌دهد تا به زندگی بهتر و مرفه‌تری دست یابند و بتوانند بخشی از درآمد خود را صرف هزینه برای افزایش شادی و نشاط خود اختصاص دهند. افزایش درآمد و افزایش قدرت خرید هم‌چنین می‌تواند موجب افزایش مخارج افراد و خانوارها برای شادی و نشاط همچون مسافرت، تغذیه مناسب، پوشاک مناسب و ... شود. همان‌طور که پیش‌تر مشخص شد با توجه به اینکه تعداد و درصد بیشتری از شهروندان با سطح درآمد پایین‌تر در محله‌های محله کوی علوی (شلنگ آباد)، منبع آب و عامری نسبت به محله‌های دیگر زندگی می‌کنند پس انتظار می‌رود که شهروندان این محله‌ها سطح نشاط خود را پایین‌تر از دیگر محله‌ها ارزیابی کنند.

جدول ۹: طبقه‌بندی سطح نشاط در بین گروه‌های با سطوح درآمدی مختلف

معنی داری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			سطح درآمد
۳	۲	۱	
		۴۳/۹۳۵	کمتر از ۱ میلیون تومان
		۵۱/۰۱۱	۱ میلیون ۲- میلیون تومان
	۷۰/۲۱۰		۲ میلیون ۳- میلیون تومان
	۷۳/۷۰۲		۳ میلیون ۵- میلیون تومان
۸۳/۲۵۸			۵ میلیون ۱۰- میلیون تومان
۸۴/۴۵۰			بیشتر از ۱۰ میلیون تومان
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	سطح معنی داری

منبع: یافته‌های پژوهش

در این بخش به بررسی و ارزیابی میزان اختلاف عوامل محیط اقتصادی و سطح نشاط شهروندان در محلات مورد مطالعه پرداخته شده است. به منظور این ارزیابی از تحلیل واریانس یک راهه و آزمون شفه استفاده شده است. همان طور که در جدول (۱۰) نیز مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری برابر با صفر به دست آمده است. بنابراین معنادار بودن آن را در سطح ۹۹٪ تأیید می‌کند. به این معنا که شهروندان مورد پرسش قرار گرفته، در محلات مورد مطالعه از نظر میزان تأثیرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط آن‌ها دارای اختلاف نظر می‌باشند. از آن جا که شغل یکی از مهم‌ترین حوزه‌های زندگی شهروندان محسوب می‌شود، انتظار می‌رود وضعیت و کیفیت شغل فرد و ارزیابی که او از شغل خود دارد، بر احساس نشاط او تأثیر داشته باشد.

بر اساس مقایسه تطبیقی محلات مورد مطالعه بر اساس آزمون شفه همان گونه که در جدول شماره (۱۰) نیز نشان داده شده است، در سطح محلات شش‌گانه به لحاظ میزان اثرگذاری کیفیت شغلی در احساس نشاط شهروندان محله شهرک نفت و پس از آن بوستان به ترتیب با امتیاز ۳/۱ و ۳/۰۳ میانگین بالاتری نسبت به محله‌های دیگر داشته‌اند و محله‌های کیانپارس و عامری با امتیاز ۲/۸۹ و ۲/۶۸ پس از آن‌ها قرار گرفته‌اند اما با توجه به کم بودن اختلاف میانگین این ۴ محله در طبقه دوم قرار گرفته‌اند. اما در دو محله منبع آب و کوی علوی از دیدگاه شهروندان کیفیت شغلی آنان نتوانسته احساس نشاط آن‌ها را به طور مناسبی افزایش دهد و با توجه به پایین بودن میانگین این عامل اقتصادی در این دو محله نسبت به محله‌های دیگر مشخص است که شهروندان این دو محله و به ویژه محله کوی علوی از کیفیت شغلی خود چندان رضایت و احساس خرسندی ندارند. بنابراین ساکنان محله منبع آب و کوی علوی از وضعیت شغلی خود به دلیل وجود مشکلاتی که با آن مواجه بوده که در نهایت درآمد و پس‌انداز ناچیزی را عاید آن‌ها می‌سازد، احساس نارضایتی می‌کنند و به آینده و پیشرفت شغلی خود امیدوار نیستند.

از نظر متغیر تناسب بین مهارت و تخصص با شغل و احساس نشاط شهروندان محله‌های مورد مطالعه در چهار دسته قرار گرفته‌اند. این متغیر در محله‌های شهرک نفت و بوستان امتیاز در حد متوسط به دست آورده است اما امتیاز این متغیر برای چهار محله کیانپارس، عامری، منبع آب و کوی علوی پایین‌تر از حد میانگین بوده است، به ویژه برای محله کوی علوی امتیاز این متغیر بسیار کم بوده است. که این امر نشان می‌دهد که در این محله‌ها به ویژه محله کوی علوی و منبع آب شهروندان به ناچار برای رهایی از بیکاری و احساسات منفی ناشی از آن شغلی را انتخاب می‌کنند و در آن شغل علی‌رغم علاقه و تمایل به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

از نظر متغیر احساس امنیت و امید به آینده شغلی و تأثیر آن در احساس نشاط شهروندان، محلات مورد مطالعه در سه دسته قرار گرفته‌اند. میزان امتیاز به دست آمده برای این متغیر در همه محلات شش‌گانه پایین‌تر از حد متوسط و میانگین بوده است که این نشان می‌دهد که شهروندان نسبت به وضعیت پیشرفت و آینده شغلی خود احساس امیدواری بالایی ندارند و حتی کسانی که دارای شغل‌های ثابت هستند ترس و نگرانی برای از دست دادن کار خود را دارند، اما وضعیت این متغیر در دو محله کوی علوی و منبع آب بسیار ضعیف بوده است و اختلاف زیادی با سطح میانگین دارد. در واقع می‌توان گفت، بیکاری و ترس از بیکاری از عوامل مؤثر در عدم نشاط شهروندان است. وجود تعداد زیاد افراد بیکار در جامعه حس ترس و نگرانی را حتی برای افراد شاغل به وجود می‌آورد و این تصور در آنان ایجاد می‌کند که ممکن آن‌ها نیز شغل خود را از دست بدهند. از دیگر متغیرها و نشانگرهای اصلی در سنجش فقر و محرومیت که در اکثر تحقیقات مورد توجه قرار می‌گیرد، میزان تناسب بین درآمد و هزینه‌های انجام شده زندگی افراد است که می‌تواند بازتاب کیفیت زندگی آنان باشد.

از نظر متغیرهای تناسب بین وضعیت درآمد و هزینه‌های زندگی و تأثیر آن در احساس نشاط شهروندان و احساس امنیت و عدم وجود نگرانی برای تأمین هزینه‌های مربوط به بهداشت و سلامت و نشاط محلات شش‌گانه به دو دسته تقسیم شده‌اند. از نظر شهروندان وضعیت این دو متغیر نیز به گونه‌ای بوده است که در همه محلات شش‌گانه امتیاز آن پایین‌تر از حد میانگین بوده است اما در دو محله منبع آب و کوی علوی وضعیت این متغیر متفاوت و بسیار پایین‌تر از حد میانگین بوده است. به طوری که بیشتر درآمد آن‌ها تنها صرف نیازهای اساسی زندگی از جمله خوراک و پوشاک می‌شود و تنها نگرانی و دغدغه ذهنی آن‌ها چگونگی تأمین نیازهای اساسی‌شان است. در بعضی خانوارها مشاهده شده که به سختی می‌توانند هزینه‌های مربوط به خوراک و پوشاک خود را تأمین نمایند و از لحاظ هزینه‌هایی از جمله بهداشت و سلامت در تنگنا هستند و در تأمین هزینه‌های دیگر از جمله مسافرت و غیره برای افزایش شادی و نشاط خود نیز بسیار ناتوان هستند.

با بررسی متغیر الگو و شیوه‌های مصرف و تأثیر آن در احساس نشاط شهروندان در بین محلات مورد مطالعه از نظر امتیاز پاسخ دهندگان به این متغیر محلات به چهار دسته تقسیم شده‌اند. با بررسی این متغیر نیز مشخص شد که امتیاز پاسخ‌ها برای همه محلات مورد مطالعه پایین‌تر از حد میانگین و متوسط بوده است. با این حال از نظر میانگین پاسخ به این متغیر و نقش آن در احساس نشاط شهروندان در بین محلات مورد مطالعه تفاوت وجود دارد. به طوری که محله‌های کوی علوی، منبع آب و عامری به ترتیب کمترین امتیاز را از نظر این متغیر به دست آورده‌اند.

از نظر متغیر میزان پس انداز برای تأمین نیازهای زندگی و داشتن احساس آسایش و رفاه مادی و تأثیر این دو متغیر در احساس نشاط شهروندان نیز بر اساس امتیاز و میانگین پاسخ‌های به دست آمده برای این دو متغیر محلات مورد مطالعه در سه گروه دسته‌بندی شده‌اند. امتیاز این متغیرها نیز در همه محلات مورد مطالعه پایین‌تر از حد میانگین بوده است اما با این وجود از لحاظ میانگین پاسخ‌ها از نظر شهروندان محلات شش‌گانه تفاوت وجود دارد. به طوری که در این متغیرها نیز به ترتیب محلات کوی علوی، منبع آب، عامری، کیانپارس، بوستان و شهرک نفت کمترین تا بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

بر اساس میانگین پاسخ‌ها بر اساس متغیر وجود فرصت‌های شغلی و حمایت از مشاغل کارآفرینی و تأثیر آن در احساس نشاط شهروندان نیز در بین محلات مورد مطالعه سه طبقه مشخص شد. از نظر شهروندان امتیاز این متغیر نیز در همه محلات مورد مطالعه کمتر از حد میانگین بوده است. اما میانگین این متغیر نیز در بین محلات مورد مطالعه متفاوت بوده است. به گونه‌ای که به ترتیب محلات کوی علوی، منبع آب، عامری، کیانپارس، بوستان و شهرک نفت کمترین تا بیشترین میانگین را به خود اختصاص داده‌اند.

امتیاز پاسخ‌ها برای متغیر تعادل در توزیع ثروت و نبودن شکاف طبقاتی در بین افراد جامعه و تأثیر آن در احساس نشاط شهروندان نیز برای همه محلات مورد مطالعه پایین‌تر از حد میانگین و در بین محلات شش‌گانه متفاوت بوده است. با توجه پایین بودن امتیاز این متغیر در بین محلات کوی علوی، منبع آب و عامری مشخص می‌شود که شهروندان این محلات اثرات منفی نابرابری‌ها و وجود شکاف طبقاتی را بر سطح نشاط خود اثرگذارتر می‌دانند. شهروندان با مشاهده و درک وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع و شهر و مقایسه خود با افراد و دیگر اعضای اجتماع خصوصاً همسالان و خانواده‌های آنان، احتمالاً رفتارها و عواطف مخربی را در آن‌ها ایجاد می‌کند که ناخوشایند هستند و از احساس بهزیستی، خوشبختی و نشاط آن‌ها می‌کاهد. پیگیری وضعیت و آمار بیکاری هم برای مردم و هم سیاست‌گذاران اهمیت دارد. بیکاری ابعاد نشاط از جمله عاطفه‌ی مثبت، رضایت از زندگی و علاوه بر آن عاطفه‌ی منفی را نیز دربرمی‌گیرد، را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تورم و بی‌ثباتی و افزایش قیمت‌ها نیز به واسطه‌ی افزایش هزینه‌های زندگی و کاهش سطح رفاه، عدم اطمینان نسبت به آینده و ایجاد و گسترش احساس نارضایتی می‌تواند بر رفاه و نشاط شهروندان اثر بگذارد.

با بررسی امتیاز متغیرهای وضعیت و شرایط اقتصادی کشور (سطح کلان) از نظر و بیکاری و تورم و اثرات آن بر سطح نشاط شهروندان در بین محلات مورد مطالعه سه طبقه مشخص شد. وضعیت بیکاری و تورم در عدم احساس نشاط شهروندان محله کوی علوی و منبع آب به عنوان محله‌های با سطح درآمد پایین، بیشترین میزان اثرگذاری را داشته است و پس از آن‌ها به ترتیب محلات عامری، بوستان، کیانپارس و شهرک نفت را تحت تأثیر قرار داده است. از نظر متغیر امید به بهبود شرایط اقتصادی و شرایط معیشت در کشور در آینده و اثرگذاری آن در سطح نشاط شهروندان نیز امتیاز به دست آمده برای این متغیر در بین محلات مورد مطالعه نشان داد که به طور کلی میانگین احساس امیدواری نسبت به شرایط اقتصادی در آینده پایین‌تر از حد میانگین است و در سطح محلات با سطح درآمدی پایین‌تر این احساس امیدواری به آینده ضعیف‌تر است. این امر نشان می‌دهد که شهروندان و به ویژه محلات فقیرنشین و با سطح درآمد پایین‌تر شدیداً نسبت به اوضاع اقتصادی در سطح کلان حساس‌اند؛ چراکه وضعیت اقتصادی بر سطح زندگی و رفاه آنان بسیار اثرگذار است.

جدول ۱۰: اختلاف میانگین عوامل محیط اقتصادی و نشاط شهروندان در محلات مورد مطالعه

عوامل محیط اقتصادی و نشاط		معناداری طبقات				محلها
		در سطح آلفا				
		شهرک نفت کیانپارس بوستان عامری منبع کوی				
		۰/۰۵				
		علوی				
کیفیت شغلی و نشاط	۱					۱/۸۰۸
	۲	۳/۱	۲/۸۹	۳/۰۳	۲/۶۸	
تناسب بین مهارت و تخصص با شغل و نشاط	۱	-	-	-	-	۱/۴۴
	۲	-	-	-	۲/۲۴	
	۳	-	۲/۸۳	-	۲/۴۰	
	۴	۳/۰۶	-	۳/۰۲	-	
احساس امنیت و امید به آینده شغلی و نشاط	۱	-	-	-	-	۱/۴
	۲	-	-	-	۲/۰۸	۱/۸۴
	۳	۲/۸۳	۲/۶۸	۲/۵۵	-	
تناسب وضعیت درآمد و هزینه‌های زندگی و نشاط	۱	-	-	-	-	۱/۲۵
	۲	۲/۶۳	۲/۵۳	۲/۴۰	۲/۳۲	
احساس امنیت و عدم وجود نگرانی برای تأمین هزینه-	۱	-	-	-	-	۱/۴۴
های مربوط به بهداشت و سلامت و نشاط	۲	۲/۷۳	۲/۵۴	۲/۵	-	
	۱	-	-	-	-	۱/۲۷
الگو و شیوه‌های مصرف و نشاط	۲	-	-	-	۱/۸۴	
	۳	-	۲/۱۹	۲/۳۵	-	
	۴	۲/۶۰	-	-	-	
میزان پس انداز من برای تأمین نیازهای زندگی و نشاط	۱	-	-	-	-	۱/۲۸
	۲	-	-	-	۲/۰۴	
	۳	۲/۴۶	۲/۳۴	۲/۳۵	-	
داشتن احساس آسایش و رفاه مادی و نشاط	۱	-	-	-	-	۱/۲۶
	۲	-	-	-	۲/۱	

۳	۲/۳۳	۲/۳۰	۲/۲۴	-	-	-	
۱	-	-	-	۱/۴۵	۱/۱۶		وجود فرصت‌های شغلی و حمایت از مشاغل کارآفرینی
۲	-	-	-	۱/۸۸	-	-	و نشاط
۳	۲/۱۶	۲/۱۱	۲/۶۵	-	-	-	
۱	-	-	-	۱/۸۳	۱/۵۵	۱/۳۰	تعالیل در توزیع ثروت و نبودن شکاف طبقاتی در بین
۲	۱/۸۷	۱/۹۶	۲/۰۴	-	-	-	افراد جامعه و نشاط
۱	-	-	-	-	۳/۹۳	۳/۹۸	شرایط اقتصادی کشور از نظر تورم و عدم احساس
۲	-	-	۲/۷۸	۲/۸۶	-	-	نشاط
۳	۲/۱۹	۲/۳۸	-	-	-	-	
۱	-	-	-	-	۴/۳	۴/۳۲	وضعیت بیکاری در کشور و عدم احساس نشاط
۲	-	-	۲/۸۱	۳/۰۷	-	-	
۳	۲/۲۵	۲/۳۰	-	-	-	-	
۱	۲/۰۱	۲/۰۹	۲/۰۰	-	-	-	امید به بهبود شرایط اقتصادی و شرایط معیشت در
۲	-	-	-	-	۱/۳۵	۱/۳۹	کشور در آینده و نشاط

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح کلی نشاط شهروندان بر اساس میانگین عوامل محیط اقتصادی در محلات مورد مطالعه نیز در جدول شماره (۱۱) نشان داده شده است. بنابراین با در نظر گرفتن عوامل محیط اقتصادی و اثرات آن در نشاط شهروندان، محلات شش‌گانه را می‌توان به چهار گروه تقسیم کرد. محله‌های کوی علوی (شلنگ آباد) و منبع آب در گروه یک، محله عامری در گروه دو، محله کیانپارس در گروه سه و شهرک نفت و گیت بوستان نیز در گروه چهارم قرار گرفته‌اند. این امر بیانگر آن است که بین محلات مورد مطالعه از لحاظ اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان تفاوت معناداری وجود دارد. به طور کلی یافته‌های این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان براساس مکان‌های متفاوت، متغیر است.

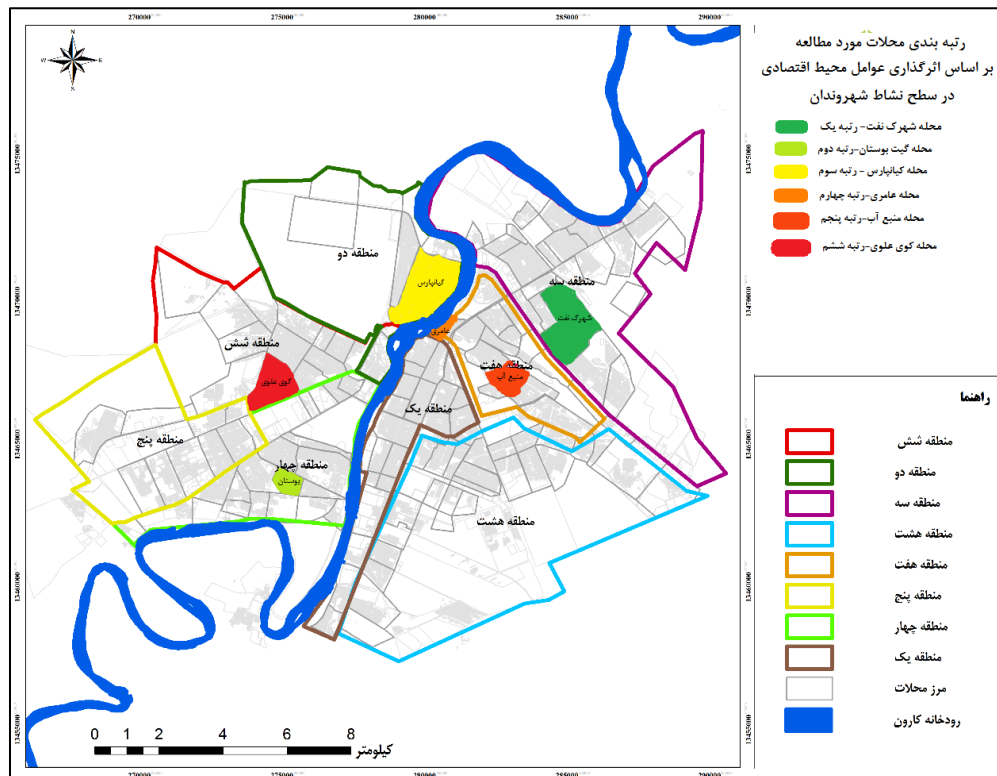
جدول ۱۱: طبقه‌بندی سطح نشاط شهروندان بر اساس اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در محلات مورد مطالعه

محل	معناداری طبقات در سطح آلفا ۰/۰۵			
	۱	۲	۳	۴
کوی علوی (شلنگ آباد)	۲۰/۸۱۴			
منبع آب	۲۳/۵۰۰			
عامری		۲۶/۰۴۳		
کیانپارس			۳۰/۲۱۷	
گیت بوستان				۳۲/۹۰۹
شهرک نفت				۳۴/۲۵۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در شکل شماره (۳) رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان، نشان داده شده است. در واقع این رتبه‌بندی براساس سطوح مکانی از غنی به فقیر است و ناهمگونی فضایی در توزیع وضعیت درآمد (شکاف درآمدی در بین محلات مورد مطالعه) و بیکاری منجر به ناهمگونی و شکاف سطح نشاط

شهروندان در محله‌های مورد مطالعه شده است. بنابراین نابرابری و شکاف سطح نشاط در بین محله‌های مورد مطالعه به عنوان تابعی از جدایی‌گزینی محله‌ها از نظر فقیر و غنی است.



شکل ۳: رتبه‌بندی محلات مورد مطالعه براساس اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان

در این مرحله نیز به تحلیل ارتباط ساختاری عوامل محیط اقتصادی، محله (مکان) و سطح نشاط شهروندان با استفاده از تحلیل عامل تأییدی در قالب مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS اقدام گردید. این مقوله می‌تواند به ارزیابی و ارتباط این عوامل باهم دیگر برای تبیین وضعیت و سطح نشاط محیطی شهروندان شهر اهواز کمک نماید. در این راستا نمایه‌های آماری استخراج شده از مدل تحلیل عاملی تأییدی در مدلسازی معادلات ساختاری AMOS، نشان از معناداری ارتباط ساختاری عوامل مطرح شده دارد.

برای ارزیابی برازندگی الگوی معادلات ساختاری از چند سنجه یا معیار استفاده می‌شود. مهم‌ترین سنجه‌های شکل‌دهنده‌ی آماری در ساختار عاملی تأییدی سنجه خی دو یا کای اسکوتر (X) یا (CMIN)، نسبت کای اسکوتر بر درجه‌ی آزادی (CMIN/DF)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص برازش افزایشی (IFI) شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش اصلاح شده (NFI) و در نهایت ریشه میانگین مربعات تقریبی (RMSEA) است. این سنجه‌ها دارای مقدار معینی بوده که تحلیل را معنادار ساخته و به تشریح ارتباط ساختاری متغیرهای به دست آمده می‌پردازد.

یکی از شاخص‌های برازندگی مطلق مدل، شاخص مجذور کای (χ^2) است و مقدار آن اگر از صفر بیشتر باشد، برازندگی مدل پایین‌تر است. میزان مجذور کای، یک اندازه معقول برازندگی است در صورتی که حجم نمونه برابر با ۷۵ تا ۲۰۰ باشد. اما برای مدل‌های با حجم نمونه بیشتر، مجذور کای تقریباً همیشه از نظر آماری معنادار است و این موجب می‌-

شود که آماره مجذور کای (χ^2) تقریباً همیشه مدل را رد کند. به علت متورم شدن میزان کای اسکوتر در نمونه‌های تحلیلی اکثر تحلیل‌گران از نسبت مجذور کای اسکوتر بر درجه آزادی استفاده می‌کنند که نمونه‌های دقیق تحلیل شده برای شناسایی ساختار را به کار می‌گیرد. یکی از متغیرهایی که بر روی میزان مجذور کای اثرگذار است، اندازه و حجم نمونه است. بنابراین اکثر محققان مقدار مجذور کای نسبی که از نسبت مجذور کای به درجه آزادی آن به دست می‌آید را در نظر می‌گیرند. نسبت این شاخص اثر اندازه نمونه را بر مدل مجذور کای را کاهش می‌دهد. اگر این شاخص دارای مقدار کمتر از ۲، بین ۲ تا ۵ و بزرگتر از ۵ باشد به ترتیب دارای برزندگی، عالی، خوب و ضعیف و غیرقابل قبول خواهد بود. همان طور که در جدول (۱۲) نشان داده شده است مقدار آن ۳/۱۶ به دست آمده است.

یکی دیگر از معیارهایی که در الگوی معادلات ساختاری مورد بررسی قرار می‌گیرد، شاخص نیکویی برازش^۱ است که میزان آن بین صفر و یک متفاوت است و اگر مقدار آن به یک نزدیک باشد دارای برازش بیشتری است. از دیگر شاخص‌هایی که برازش یک مدل را با مدل پایه که قائل به وجود کوواریانس بین متغیرها نیست، مقایسه می‌کنند، شاخص برازش تطبیق^۲ و شاخص برازندگی افزایشی^۳ است. اگر میزان این دو شاخص به یک نزدیک باشد، مدل از برازش بهتری برخوردار است. البته این مقدار باید حداقل ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود. شاخص برازندگی هنجار شده^۴ نیز یک شاخص برازندگی افزایشی است که برای تعیین برازش یک الگو از آن استفاده می‌شود. اگر مقدار این شاخص بالاتر از ۰/۹۰ باشد، مناسب است. نتایج تحلیل ساختار ارتباطی سه متغیر مورد مطالعه در همه‌ی این سنجه‌های مورد نظر نشان از قابل قبول بودن آن‌ها دارد. شاخص‌های برازش تطبیقی و افزایشی مطابق با استانداردهای آماری تعیین شده هر چه به سمت ۱ میل کند، برازش از سطح نکویی بالایی برخوردار خواهد بود. نتایج این دو شاخص برای متغیرها و تبیین ارتباط ساختاری آن‌ها نیز قابل قبول به دست آمده است. از دیگر شاخص‌های برازندگی که به عنوان ریشه دوم میانگین مجذورات باقی مانده و تابعی از مقدار کواریانس در نظر گرفته می‌شود، شاخص ریشه خطای تقریب میانگین مجذورات^۵ است که با توجه به در نظر گرفتن صفر به عنوان برازش کامل و ۰/۱۰ به بالا به عنوان برازش بسیار ضعیف قرارگیری متغیرها در بازه-ی ۰/۴۱۱ نشان دهنده‌ی برازش مناسب و خوبی برای این متغیرهاست (جدول ۱۲).

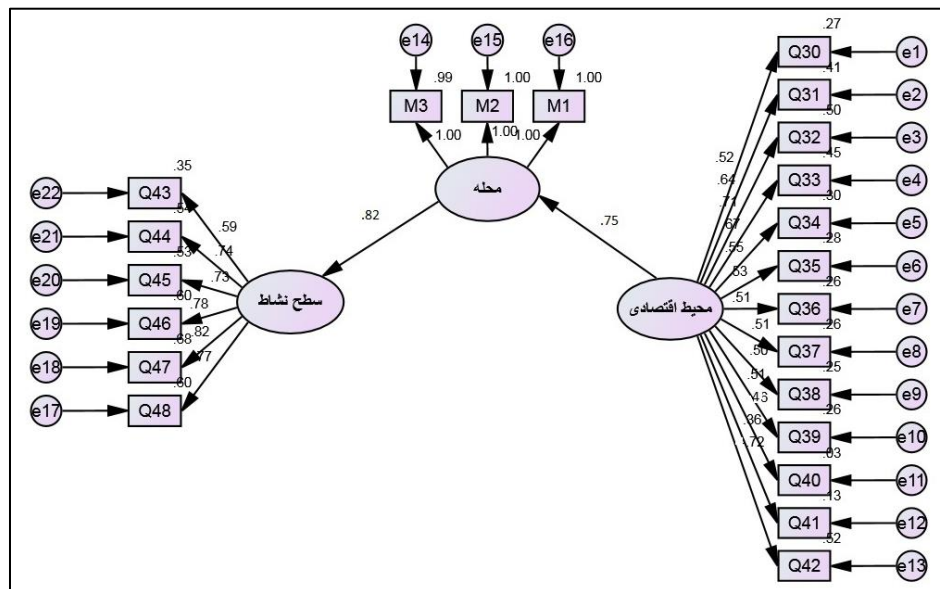
جدول ۱۲: آماره ساختار عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش

نوع معیار	معیار برازش مدل	میزان	معیار مورد پذیرش	نتیجه
	کای اسکوتر (CMIN)	۱۴۹/۰۲۲		
معیارهای مطلق (برازندگی مدل)	درجه آزادی (DF)	۴۷		
	سطح معناداری (P)	۰/۰۰۰	پایین تر از ۰/۰۵	مورد پذیرش
	نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی (CMIN/DF)	۳/۱۶	بین ۱ تا ۵	مورد پذیرش
	ریشه میانگین مجذورات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۴۱۱	کمتر از ۰/۱۰	مورد پذیرش
معیارهای نسبی	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۵۴	بیشتر از ۰/۹۰	مورد پذیرش
	شاخص برازش اصلاح شده (NFI)	۰/۹۲۱	بیشتر از ۰/۹۰	مورد پذیرش
	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹۲۲	بیشتر از ۰/۹۰	مورد پذیرش
	شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	۰/۹۲۲	بیشتر از ۰/۹۰	مورد پذیرش

منبع: یافته‌های پژوهش

۱. (GFI)
۲. (CFI)
۳. (IFI)
۴. (NFI)
۵. (RAMSEA)

در شکل (۴) وزن‌های مسیر یا بتا بر روی مسیرها و مقدار واریانس تبیین شده بر روی مستطیل‌ها نمایش داده شده است. میزان وزن‌های مسیر برای همه عوامل مربوط به محیط اقتصادی معنادار و بالاتر از ۰/۵۰ است که نشان از اثرگذاری این عوامل در سطح نشاط شهروندان دارد^۱.



شکل ۴: مدل ارتباط متغیرهای سه گانه مورد مطالعه

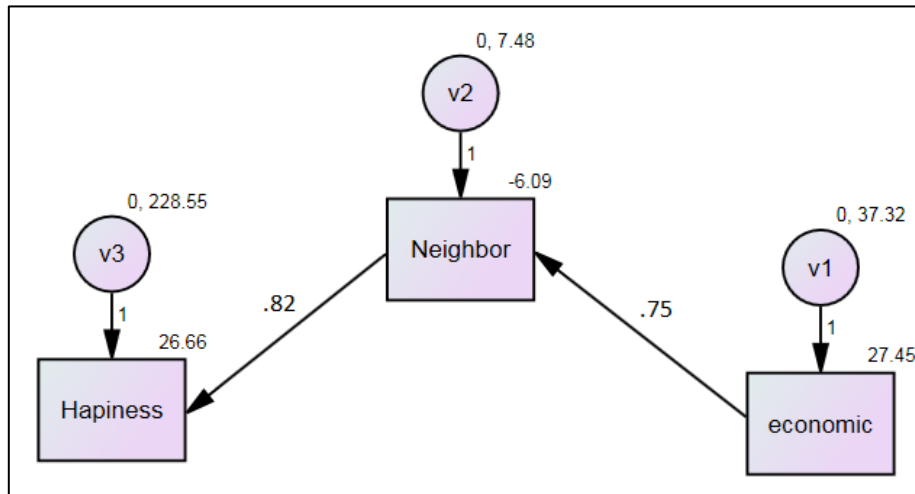
منبع: یافته‌های پژوهش

در شکل (۵) نیز معماری ساختاری ارتباطی سه متغیر محیط اقتصادی، محله (مکان) و سطح نشاط شهروندان نشان می‌دهد که بر اساس آماره‌ی رگرسیون وزن‌دار (WR) ارتباط ساختاری بین سه متغیر مورد مطالعه بالاتر از ۰/۵ به دست آمده است که تراز مثبت و قابل قبولی برای تشریح اهمیت ارتباط این سه متغیر است. در حقیقت این مسئله نشان از تأیید نقش واسطه‌ای مکان (محله) در اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان شهر اهواز است. با توجه به نتایج فوق چنین استنباط می‌شود که میزان اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی بر سطح نشاط شهروندان در محلات ششگانه مورد بررسی یکسان نبوده و از یک الگوی خاص پیروی نمی‌کند؛ بلکه متغیر مکان - یا تفاوت در سطح مکان‌ها- در این زمینه به عنوان متغیر واسطه‌ای نقش آفرینی می‌کند. اهمیت نقش متغیر مکان در تغییرات سطح نشاط شهروندان می‌تواند فرآیند مثبتی را در عرصه‌ی تصمیم سازی و تصمیم‌گیری برای نشاط شهروندان شهر اهواز را رقم بزند.

^۱ در شکل شماره ۴، توضیح حروف لاتین به این شرح می‌باشد:

عوامل اقتصادی: Q30: کیفیت شغلی و نشاط، Q31: تناسب بین مهارت و تخصص با شغل و نشاط، Q32: احساس امنیت و امید به آینده شغلی و نشاط، Q33: تناسب وضعیت درآمد و هزینه‌های زندگی و نشاط، Q34: احساس امنیت و عدم وجود نگرانی برای تأمین هزینه‌های مربوط به بهداشت و سلامت و نشاط، Q35: الگو و شیوه‌های مصرف و نشاط، Q36: میزان پس انداز من برای تأمین نیازهای زندگی و نشاط، Q37: داشتن احساس آسایش و رفاه مادی و نشاط، Q38: وجود فرصت‌های شغلی و حمایت از مشاغل کارآفرینی و نشاط، Q39: تعادل در توزیع ثروت و نبودن شکاف طبقاتی در بین افراد جامعه و نشاط، Q40: شرایط اقتصادی کشور از نظر تورم و عدم احساس نشاط، Q41: وضعیت بیکاری در کشور و عدم احساس نشاط، Q42: امید به بهبود شرایط اقتصادی و شرایط معیشت در کشور در آینده و نشاط.

متغیرهای نشاط: Q43: امیدواری، Q44: رضایتمندی، Q45: خلق مثبت، Q46: سلامتی، Q47: کارآمدی، Q48: عزت نفس.
شاخص‌های مکانی: M1: جمعیت شناسی، M2: کیفیت زندگی، M3: قشربندی اجتماعی.



شکل ۵: معماری ساختار ارتباطی سه متغیر محیط اقتصادی، محله (مکان) و سطح نشاط شهروندان اهواز

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در جغرافیا هر واقعیت ذهنی یا عینی با مکان پیوند می‌یابد و از آنجا که مفهوم کانونی در علم جغرافیا "مکان" است و تحت شرایط نظام طبیعی و انسانی خود بر اثر تحولات درونی و بیرونی در طول زمان متغیر می‌باشد، کیفیت‌های متفاوتی از فعالیت، معیشت و رفاه را در خود جای می‌دهد. از طرفی در سال‌های اخیر جریانی بدیل در علم اقتصاد به وجود آمده است که بر اندازه‌گیری رفاه در قالب شاخص‌های ذهنی (از جمله بحث نشاط) تأکید دارد. پژوهش‌هایی که تا کنون انجام گرفته به صورت خطی اثر عوامل اقتصادی را بر روی نشاط بررسی کرده‌اند اما در این پژوهش سعی شد تا اثر عوامل اقتصادی بر روی نشاط شهروندان با توجه به متغیر واسطه‌ای تفاوت مکانی (نابرابری‌های فضایی) مورد تحلیل قرار گیرد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان داد که عوامل اقتصادی از جمله وضعیت درآمد و اشتغال شهروندان متغیر کنترلی مهمی در توزیع نشاط در سطح محلات شهر اهواز است. در بین نمونه مورد مطالعه در محلات ششگانه، به ترتیب محله‌های کیانپارس، شهرک نفت و گیت بوستان تعداد و درصد بیشتری از افراد شاغل را بر گرفته‌اند. این در حالی است که تعداد و درصد افراد بیکار به ترتیب در بین سه محله کوی علوی (شلنگ آباد)، عامری و منبع آب بیشتر از محله‌های دیگر است. با توجه به اینکه تعداد و درصد افراد بیکار در بین سه محله کوی علوی (شلنگ آباد)، عامری و منبع آب بیشتر از محله‌های دیگر است شهروندان این محله‌ها سطح نشاط خود را پایین‌تر از دیگر محله‌ها ارزیابی کرده‌اند. همچنین با توجه به اینکه تعداد و درصد بیشتری از شهروندان با سطح درآمد پایین‌تر در محله‌های کوی علوی (شلنگ آباد)، منبع آب و عامری نسبت به محله‌های دیگر زندگی می‌کنند، شهروندان این محله‌ها سطح نشاط خود را پایین‌تر از دیگر محله‌ها ارزیابی کرده‌اند. بنابراین شهروندان محلات با سطح درآمد پایین در شهر اهواز دچار احساس ناامیدی، عدم رضایت خاطر و سرخوردگی بیشتری هستند. همچنین با توجه به بالا بودن بار تکفل خانوارهای طبقات پایین، قدرت خرید این طبقات برای صرف مخارج برای شادی و نشاط خانواده عملاً بسیار محدود شده یا از بین می‌رود.

نتایج این پژوهش همسو با نتایج پژوهش تیان و یانگ (۲۰۰۵) است که بر اساس آن متغیر سطح درآمد به عنوان یک متغیر مهم و اساسی برای ارتقا سطح نشاط شناخته می‌شود. همچنین نتایج پژوهش آرگایل و لو (۱۹۹۰) تأیید می‌کند که در بین گروه‌های با سطح درآمد مختلف، سطح نشاط افراد در گروه‌های کم درآمد اثر بیشتری از شرایط اقتصادی می‌پذیرد. علاوه بر این یافته‌های این پژوهش منطبق و همسو با دیدگاه نظریه‌پردازانی همچون بنتهام، ویلکینسون و پیکت، استرلین، داینر و مارکس در مورد اثرگذاری عوامل اقتصادی از جمله درآمد بر سطح نشاط شهروندان

است و نتایج پژوهش‌هایی که نشان می‌دهند که از لحاظ میزان متوسط شادی و نشاط بین کشورهای فقیر و غنی تفاوت قابل توجهی وجود دارد را نیز تأیید می‌کند. با در نظر گرفتن عوامل محیط اقتصادی و اثرات آن در نشاط شهروندان، محلات شش‌گانه به چهار گروه تقسیم شدند. محله‌های کوی علوی (شلنگ آباد) و منبع آب در گروه یک، محله عامری در گروه دو، محله کیانپارس در گروه سه و شهرک نفت و گیت بوستان نیز در گروه چهارم قرار گرفتند. این امر بیانگر آن است که بین محلات مورد مطالعه از لحاظ اثر گذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان تفاوت معناداری وجود دارد و اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی در سطح نشاط شهروندان براساس مکان‌های متفاوت، متغیر است. در واقع سطوح یکسان متغیرها و عوامل اقتصادی منجر به سطوح مختلف نشاط در بین محله‌های متفاوت می‌شود، که این امر مفهوم نابرابری سطح نشاط در سطح شهر اهواز را توجیه می‌نماید. در واقع عوامل محیط اقتصادی به واسطه تفاوت‌ها و نابرابری‌های فضایی و مکانی منجر به نابرابری سطح نشاط در بین شهروندان می‌شود. بنابراین مکان و محیط جغرافیایی می‌تواند نقش عمده‌ای در تعیین نوع زندگی و احساسات شهروندان بازی کند.

نتایج بررسی و تحلیل ارتباط ساختاری عوامل محیط اقتصادی، محله (مکان) و سطح نشاط شهروندان با استفاده از تحلیل عامل تأییدی در قالب مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزار AMOS نیز نشان داد که میزان اثرگذاری عوامل محیط اقتصادی بر سطح نشاط شهروندان در محلات ششگانه مورد بررسی یکسان نبوده و از یک الگوی خاص پیروی نمی‌کند؛ بلکه متغیر مکان - یا تفاوت در سطح مکان‌ها - در این زمینه به عنوان متغیر واسطه‌ای نقش آفرینی می‌کند. بنابراین اهمیت نقش متغیر مکان در تغییرات سطح نشاط شهروندان می‌تواند فرآیند مثبتی را در عرصه‌ی تصمیم سازی و تصمیم‌گیری برای نشاط شهروندان شهر اهواز را رقم بزند.

- با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان داد که وجود نابرابری در عوامل محیط اقتصادی در بین مکان‌ها و محلات مختلف شهر اهواز در نابرابری سطح نشاط شهروندان اثر داشته است، بنابراین رفع محرومیت‌ها و ارائه خدمات اساسی به مناطق و محله‌های محروم می‌تواند در ارتقا سطح نشاط جمعیت بزرگی از شهر اهواز اثر داشته باشد (حجم بزرگی از جمعیت شهر اهواز حدود ۴۰ درصد وسعت این شهر در محلات حاشیه نشین و اسکان غیررسمی و به عنوان محله‌های محروم شناخته می‌شوند). به این ترتیب کاهش شکاف طبقاتی می‌تواند کاهش نابرابری در سطح نشاط در بین طبقات و گروه‌های مختلف در محله‌های مختلف شهر اهواز، میانگین شاخص‌های نشاط را بهبود بخشد. بنابراین مسئولان شهر اهواز باید در نظر داشته باشند که سیاست توزیع درآمدها و ثروت‌ها در این شهر به گونه‌ای بوده است که سبب توسعه اجتماعی - اقتصادی کل شهر اهواز نگردیده است و سیاست فضایی به بهره‌برداری توده‌های محروم (به ویژه در محله‌های حاشیه نشین و اسکان غیررسمی از جمله محله‌های منبع آب و کوی علوی) از توسعه اجتماعی - اقتصادی کارساز نبوده است. شرایط فراهم آمده زمینه‌ای را فراهم کرده تا گروه‌های پردرآمد در برخی محله‌های شهر اهواز از اوضاع موجود بیشتر بهره‌مند شوند. در این خصوص برنامه‌های ارتقاء زندگی شهری، کاهش فقر، توانمندسازی مناطق و محله‌ها و مهار کردن رشد سرطانی زیستگاه‌های غیررسمی در شهر اهواز از اولویت‌هایی است که در توسعه محلی و شهری این شهر باید به آن پرداخته شود. همچنین اثرات نابرابری‌های اقتصادی و فضایی در سطح نشاط شهروندان این شهر و تفاوت میان محلات و بافت‌های مختلف این شهر از نظر سطح نشاط باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها به طور جدی مورد توجه قرار بگیرد. که در این زمینه توجه به موارد زیر می‌تواند کارساز باشد:

- ایجاد زمینه برای پایدار کردن مناطق و محله‌های محروم (محله‌های مهاجرنشین و اسکان غیررسمی) از جنبه - اقتصادی، که در این حوزه به نظر می‌رسد ایجاد زمینه‌های اشتغال پایدار و افزایش درآمد سرانه در محدوده‌های دارای کیفیت پایین زندگی می‌تواند تا حدود بسیاری در ارتقای وضعیت اجتماعی و اقتصادی مؤثر باشد. در این زمینه می‌توان علاوه بر ایجاد مشاغل دولتی با استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی، شرکت‌های دانش بنیان، تعاونی‌ها و ایجاد کسب و

کارهای ارزان در خانواده‌های محروم تا حدود بسیاری این مسئله را پوشش داد. علاوه بر آن اعطای تسهیلات بانکی با سوده‌های حداقلی و نیز تنفس‌های مناسب در زمان باز پرداخت آن، تقویت مراکز فنی و حرفه‌ای در زمینه مهارت آموزی با مهارت جویان می‌توان فعالیت‌های مناسبی داشت.

- کمک به افزایش اشتغال محلی می‌تواند منجر به افزایش سطح درآمد و به دنبال آن افزایش احساس امید و نشاط در محله‌های محروم و به ویژه در گروه جوانان گردد. که در این زمینه بالا بردن تخصص و مهارت نیروی کار موجود در محله‌های محروم و حاشیه نشین شهر اهواز، از طریق آموزش‌های رسمی و فنی و حرفه‌ای و بالا بردن سطح مهارت جوانان از راه تشویق آنان به فراگیری علم و دانش، تخصص و مهارت، به منظور جذب در اقتصاد بخش رسمی و کاهش اشتغال در بخش غیررسمی در آینده این سکونتگاه‌ها مؤثر باشد.

منابع و مأخذ

- احمدی، علی (۱۳۹۵)، رویکرد ادراکی به محیط در جغرافیای رفتاری، فصل‌نامه رشد آموزش جغرافیا، دوره ۳۱، شماره ۱، صص ۵۰-۴۴.
- اکبر زاده، فاطمه، دهقانی، حمید، خوشفر، غلامرضا، جانعلی زاده چوب بستی، حیدر. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سه نوع سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر شادی جوانان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۴(۲)، ۶۷-۸۸.
- امانپور، سعید، دامن باغ، صفیه، علیزاده، هادی. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری تصویر شهر در راستای برندسازی مؤثر شهری. مطالعه موردی: کلانشهر اهواز. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۱۰(۳۵)، ۶۷-۸۶.
- پوراحمد، احمد. (۱۳۹۲) قلمرو و فلسفه جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم.
- جعفری، محمد (۱۳۹۵). سنجش عوامل مؤثر برشادمانی در کشورهای اسلامی، پژوهشنامه اقتصاد کلان، سال یازدهم، شماره ۲۲، ۶۵-۸۴.
- خورسندی، مرتضی، علی‌بابایی، نسترن. (۱۳۹۵). بیکاری بدتر است یا تورم؟ مقایسه اثر بیکاری و تورم بر شادی. پژوهشنامه اقتصادی، ۱۶(۶۳)، ۱-۲۴.
- دهقانی، حمید، اکبرزاده، فاطمه، خوشفر، غلامرضا، ربانی، رسول. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۴(شماره ۱۳-۱۲)، ۱۵۹-۱۸۲.
- شکوئی، حسین (۱۳۹۱)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، انتشارات سمت، چاپ پانزدهم، جلد اول.
- عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ کوهی، کمال؛ علی پور (۱۳۹۲). انواع سرمایه‌ها، حلقه مفقوده در تبیین شادکامی دانشجویان (دانشجویان دانشگاه تبریز)، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۵۱، ۲۴۴-۲۱۵.
- قرائی، حمیدرضا، میرخاقانی، آرش، روانشادنیبا، سمیه (۱۳۹۵) فرآیند طراحی معماری با رویکرد نشاط اجتماعی در شهر، همایش بین‌المللی افق‌های نوین در مهندسی عمران، معماری و شهرسازی و مدیریت فرهنگی شهرها، اسلامشهر.
- محمدی ده چشمه، مصطفی، سجادیان، ناهید، شجاییان، علی، قیصری نرگس (۱۳۹۷)، بررسی تطبیقی جغرافیای فراغت در کلان شهر اهواز، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۸، شماره ۴۸، صص ۲۳۹-۲۱۷.
- مرکز آمار ایران - سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵.
- معاونت برنامه‌ریزی شهرداری اهواز (۱۳۹۶). گزیده اطلاعات مناطق، نواحی و محلات شهر اهواز، ویرایش سوم، انتشارات روابط عمومی و امور بین‌الملل شهرداری اهواز.

منصف، عبدالعلی، معلمی، مژگان، بیابانی، جهانگیر، نجاتی، مهدی، طاهری زاده اناری پور، جواد. (۱۳۹۸). بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر شادی در کشورهای منتخب: رهیافت رگرسیون آستانه‌ای پانل. فصلنامه علمی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۹(۳۶)، ۱۵-۳۴.

نادمی، یونس، جلیلی کامجو، سید پرویز. (۱۳۹۷). ارزیابی تاثیر فقر مطلق و نسبی بر نابرابری شادی در ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی مدل‌سازی اقتصادی، ۱۲(۴۱)، ۱-۲۶.

نیلی، فرهاد، بابازاده خراسانی، بهزاد، شادکار، محمدسعید. (۱۳۹۴). بررسی وابستگی رفاه ذهنی مردم جوامع در حال توسعه به متغیرهای کلان اقتصادی. تحقیقات اقتصادی، ۵۰(۱)، ۲۱-۴۸.

Ballas, D, Dorling, D, Nakaya, T, Tunstall, H, (2016) Happiness, Social Cohesion and Income Inequalities in Britain and Japan, Department of Geography, University of Sheffield, CWiPP Working Paper Series No.7.

Ballas, D, Dorling, D. (2013), The Geography of Happiness, in David, estimation in Britain and Japan, Studies in Regional Science, vol. 42, pp.163-187.

Ballas, D, Tranmer, M, (2012), Happy People or Happy Places? A Multilevel Modeling Approach to the Analysis of Happiness and Well-Being, International Regional Science Review, 35(1), 70-102.

Blanchflower, D. & Oswald, A. (2004). Well-being over time in Britain and the USA, Journal of Public Economics, 88, 1359-1386.

Brereton, F, Clinch, J. P, Ferreira, S, (2008) Happiness, geography and the environment, Ecological Economics, (65), 3 8 6 – 3 9 6.

Brookings Institution Press.

Carbonell A.F.i and Gowdy, J (2007), Environmental degradation and happiness, Ecological Economics, 60, (3), 509-516

Di Tella, R. & MacCulloch, R.J. (2006). Some Uses of Happiness Data in Economics, Journal of Economic Perspectives, 20(20): 25-46.

Di Tella, R., R. J. MacCulloch and A. J. Oswald (2001), "Preferences Over Inflation and Unemployment: Evidence from Surveys of Happiness", *The American Economic Review*, 91(1), 335-341.

Frey, S., & Stutzer, A. (2002). Happiness and Economics: How the Economy and Institutions Affect Human Well-Being. Princeton University Press.

Graham, C. (2011). "The Pursuit of Happiness an Economy of Well-Being". *Washington, D. C.:*

Layard, R (2005). Happiness: Lessons from a new Science, London: Allen Lane.

Mitchell, R. and Popham, F. (2008) Effect of exposure to natural environment on health inequalities: an observational population study. *The Lancet* 372(9650), pp. 1655-1660.

Romer, D. (2011), Advanced Macroeconomics, McGraw-Hill Education; 4 Edition.

Ruprah, I. J. and Luengas, P. (2011), "Monetary Policy and Happiness: Preferences Over Inflation and Unemployment in Latin America", *The Journal of Socio-Economics*, 40(1), 59-66.

Stanca, L, (2008) The Geography of Economics and Happiness, Economics Department.